

جدال بر سر حجاب اسلامی در بطن جنگ برای قدرت سیاسی در ایران!

صفحه ۳

پروین کابلی

کارگران و برآمد انقلابی بعدی

(سخنرانی رحمان حسین زاده در سمینار اول مه در استکهلم)

صفحه ۴

اول مه در کشورهای جهان

صدای اعتراض ضد کاپیتالیستی رساتر بود

صفحه ۶

سیاوش دانشور

اعلامیه حزب حکمتیست

وحشت جمهوری اسلامی از روز کارگر، احضارها و بازداشت ها تو خالی اند، امواج اعتراض و اعتصاب گواهی اند!

صفحه ۷

جمهوری اسلامی؛ عامل فاجعه بحران کم آبی و فرونشست

زمین

صفحه ۸

وریا روشنگر

چه تفاوتی در انتخاب سلطنت و رژیم ولایت فقیه وجود دارد؟

صفحه ۱۰

سامی آزادمنش

سئوال از منصور حکمت در باره خوشبختی انسانها

صفحه ۱۳

در صفحات دیگر

پیامها و قطعنامه تشکلهای به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر-

اخبار کارگری و حرکت های اجتماعی

منشور آزادی، رفاه، برابری

برای اتحاد جنبش کارگری و همسویی با جنبش زن-زندگی-آزادی

صفحه ۱۱

بحران ورشکستگی صندوقهای بازنشستگی دورنمای فلاکت بیشتر بازنشستگان

صفحه ۱۳

سیاوش دانشور

۶۹۷

مسئله کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۵ مه ۲۰۲۳

جایگاه اعتصاب کارگران

پروژه ای-پیمانی در اوضاع کنونی!

روزانه دهها اعتصاب و اعتراض کارگری در ایران با مطالبه افزایش دستمزد و بهبود شرایط معیشت علیه دولت و کارفرمایان در جریان بوده و ادامه دارد. دولت سرمایه داری ایران با تحمیل فقر و فلاکت به کارگران و تشدید گرانی و تورم باعث تنزل مداوم معیشت و سطح زندگی اکثریت کارگران و مزدگیران است. مسئله اصلی بر سر معیشت و شرایط بردگی کاری است. به این دلیل اعتراضات و اعتصابات کارگری رو به گسترش است و برای کارگران و اکثر مزد بگیران چاره ای جز مبارزه برای زنده ماندن باقی نگذاشته است.

جامعه ایران در بحرانهای عمیق سیاسی اقتصادی به سر می برد. راه برون رفت از این بحرانها را مردم با خیزش انقلابی ماههای اخیر نشان دادند. در ادامه جنبش انقلابی زنان و جوانان برای خلاصی از ستم و تبعیض و استثمار، اعتصاب بزرگ اخیر کارگران پروژه ای-پیمانی در شرایط کنونی در تقویت جنبش انقلابی جاری توده ها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. کارگران نفت و پتروشیمی و گاز با این اعتصاب بزرگ دارند قدمی کنند.

اکنون با گذشت دو هفته از این اعتصاب دولت و کارفرما که با تهدید به اخراج دسته جمعی و استخدام کارگران جدید ناکام ماند و کارگران اعتصابی این تهدید را

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



موانع زیادی در مقابل پیروزی کارگران وجود دارد. کارگران تا کنون با هوشیاری و اتحاد توانسته اند به اعتصاب ادامه دهند. تنها ضامن پیروزی کارگران در مقابل سرکوب و توطئه و فریبکاری دولت و پیمانکاران حفظ اتحاد و همبستگی کارگران در این تناسب قوای نا مساعد است. کارگران در این مبارزه اگر پیروز نشوند و یا به همه مطالبات خود نرسند باز زره ای از اهمیت این اعتصاب در شرایط متحول کنونی کم نمی کند. اما گسترش این اعتصاب و سرایت آن به بخشهای مختلف مراکز تولیدی همگام و به موازات اعتراض و نارضایتی عمومی و گسترش جنبش انقلابی می تواند جمهوری اسلامی را به زانو در بیاورد و دست دولت و عوامل رژیم در محیط کار و دستگاههای امنیتی را از سر کارگران کوتاه کند.

برگزاری مرتب مجامع عمومی، مشورت و خرد جمعی کارگران یکی از ابزارهای مهم حفظ اتحاد و ادامه اعتصاب است. این بخش از صنعت شاهرگ حیاتی اقتصاد جمهوری اسلامی و ادامه اعتصاب می تواند جمهوری اسلامی را فلج و زمینگیر کند. کارگران در نفت و پتروشیمی و گاز با حمایت سایر بخشهای مختلف مراکز تولیدی این امر مهم و سرنوشت ساز را میتوانند به سرانجام برسانند. کارگران منشع قدرتند و می توانند سرنوشت جامعه را به نفع خود و اکثریت تهدیدستان تغیر دهند. اعتصاب کارگران پروژه ای - پیمانی گامی مهم در این جهت است.

سر دبیر



**مجمع عمومی ظرف ابراز وجود
مستقیم و مستمر کارگران است!
مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر
نیازی برپا کنید!
جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!**

جایگاه اعتصاب کارگران پروژه ای - پیمانی در اوضاع کنونی!

هوشیارانه عقب زدن، دولت به سبب همیشه با همدستی سپاه و پیمانکاران با توطئه و فریبکاری و تشدید فضای امنیتی و دستگیری کارگران تلاش می کنند اعتصاب کارگران را به شکست بکشانند.

اخیرا عوامل رژیم و پیمانکاران با تبلیغاتی تحت عنوان پیمانکاران خوب وبد و با این ترفند فریبکارانه و تبلیغ اینکه فلان پیمانکار مطالبات کارگران را عملی کرده و یا شرایط بهتری برای استخدام کارگران در نظر دارند تلاش می کنند در میان کارگران تفرقه و دو دستی ایجاد کنند و اعتصاب کارگران را تضعیف و پراکنده بکنند.

از طرف دیگر دستگاههای امنیتی رژیم اعلام کرده اند که تعدادی از پیمانکاران در پروژه های توسعه ای پارس جنوبی در نفت احضار و بازداشت شده اند. دلیل بازداشت این پیمانکاران تخلف در حوزه کارگری اعلام کرده اند. این رژیم جنایت پیشه و ضد کارگر می داند که پیمانکاران زالوصفت چگونه خون کارگران را می مکند اما هیچ غلطی نمی کنند. حالا که کارگران دست به اعتصاب زده اند برای آرام کردن کارگران و شانه خالی کردن از زیر بار همه مصیبتی که دولت جنایتکار اسلامی به آنان تحمیل کرده اند چند پیمانکار را احضار و بازداشت کرده اند تا مسئولیت این نابسامانی را فقط به گردن پیمانکاران مفتخور و سودجو بیندازند.

جمهوری اسلامی با سیاست خصوصی سازی "خصوصت سازی" دمار از زندگی کارگران در آورده اند. عمده مراکز تولیدی را به اسم خصوصی سازی و کارآفرینی یا در اختیار قرارگاههای سپاه و یا سرمایه داران خودی و وابستگان و آقازاده ها مفت و مجانی به فروش می رسانند و کارگران را همچون هفت تپه و سایر مراکز تولیدی یا بیکار و وحشیانه استثمار می کنند و اعتراض کارگران به این سیاستهای ضد کارگری را با سرکوب و زندان و شکنجه جواب می دهند. به جز درصد کمی از کارگران در نفت و پتروشیمی که در استخدام رسمی دولت هستند و بعضا از عوامل خود دولت در این صنعت هستند، عموم استخدامی کارگران را به پیمانکارانی سپرده اند که با پائین ترین دستمزد و بدترین شرایط کار استخدام و وحشیانه استثمار می کنند و دولت و مسولین دولتی از این جنایت بخوبی با خبرند یکی از مطالبه مهم کارگران در اعتراضات چند سال گذشته بر چیدن سیاست پیمانکاری و استخدام رسمی کارگران است.

رژیم سرمایه داری و مذهبی ایران از طرفی با جنبش انقلابی زنان و جوانان و تهدیدستان و از طرف دیگر در مقابل اعتصاب و مبارزه کارگران و بازنشستگاه دست به گریبان و تحت فشار است.

دو هفته از اعتصاب سراسری کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی می گذرد. این اولین اعتصاب بزرگ و سراسری و با شرکت بیش از صد هزار کارگر در نزدیک به صد مرکز کارگری و با اضافه معادن و فولاد است. دولت و نهادهای امنیتی به کمک پیمانکاران و با پرونده سازی علیه کارگران

می کوشند با توطئه و دستگیری و تفرقه میان کارگران این اعتصاب بزرگ را به شکست بکشانند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

جدال بر سر حجاب اسلامی در بطن جنگ برای قدرت سیاسی در ایران!

پروین کابلی



طبیعی و انسانی است. مردم روزانه کفر می کنند و ککشان هم نمیگردد. این رژیم با حجاب اسلامی آمد و باید با لغو حجاب اسلامی سرنگونش کرد.

کل سران رژیم اسلامی می دانند که زنان با مبارزه برای آزادی پوشش عملاً به جنگ حکومت اسلامی و کلیت آن رفته اند. پیامدهای بی حجاب در جامعه را بخوبی میدانند و به این امر واقف است که با بی حجاب دودمانش برباد می رود. مشاهدات

روزانه ی آنها دیدن این واقعیت است که کلا سیستم آپارتاید جنسی در حال فرو ریزی می باشد. مردم عاصی شده اند و در یک کلام آزادی و برابری می خواهند. از دستورهای جدید برای سرکوب در اول صبح جز تمسخر و خنده ی مردم پیروز در پایان روز چیزی به جای نمانده است.

با این توصیف می توان گفت کار حجاب دیگر تمام است. این جدال سرنوشت سازی بوده و بعنوان یک آغاز مهم راه را برای پیشروی ایده های نو، و مدرن و امروزی هموار می کند و این پتانسیل را دارد که سرآغاز یک انقلاب مهم فرهنگی در بطن یک جدال سیاسی برسر قدرت سیاسی در ایران باشد. اما بشرطی که تنها نماند. این آن چیزی است که خواب را از چشمان سران جمهوری اسلامی ربوده است و با تمام قدرت تلاش می کنند در مقابل آن ایستادگی کنند. این انقلاب به این لحاظ انقلابی زنانه با تمام خصوصیتاتش می باشد. خصوصیات انقلابی که ریشه در جامعه دارد و پشتیبانی جامعه را هم دقیقاً به خاطر همین خصوصیات با خود دارد. این جنبشی نه فقط برای امر زنان و رهایی جنسی بلکه برای تغییرات اساسی در جامعه ای است که به حرکت درآمده است.

آنچه که در این میان هنوز جای خالی آن دیده می شود همبستگی عظیم ترین نیرو جامعه با این جنبش است. در شرایطی که کارگران وارد دوره ای از اعتصابات زنجیره ای برای خواسته های رفاهی و آسایش بیشتر شده اند باید بتوانند با این جنبش حی و حاضر و رادیکال، پشتیبانی و همبستگی خود را اعلام کنند و در قدم بعدی خواسته های روشن خود را در این مورد اعلام کنند. بسیاری از جوانانی که به دار کشیده شدند و یا در خیابانها کشته و زخمی شدند فرزندان کارگرانی هستند که امروز برای خواسته های برحق خود به میدان آمده اند. این جنبش را از آن خود نمودن، می تواند نیروی عظیم اجتماعی را درکل جامعه ایران به حرکت در آورد تا در قدم بعدی ضربه نهایی را برای سرنگونی رژیم وارد نماید.

پایان

علیرغم افت و خیزهای زیادی که در خیزش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در جریان است دوجدل اصلی که این روزها رژیم اسلامی شنیده با آن دست بگریبان است و علیرغم تشدید بگیر و بندها هنوز نتوانسته است بر آنها فایق شود را باید دید و موقعیت هر کدام و رابطه آنها را با یکدیگر بخوبی شناخت. یکی افزایش اعتصابات کارگران در مراکز کلیدی و مهم کشوری باشد و دیگری عدم تمکین زنان به حجاب اسلامی و تقابل آشکار رژیم با آن. هر دوی این جدل این روزها در صحنه ی سیاسی جامعه ایران بروز بسیار آشکاری دارند.

بی حجابی دو فاکتو که از دوسال پیش عملاً رژیم و دستگاه سرکوب آن را به چلنج کشیده بود اکنون به آزادی پوشش در بسیاری شهرهای بزرگ بدل شده است و زنان بدون حجاب با لباسهایی که خود انتخاب کرده اند در خیابانها و محل های عمومی ظاهر می شوند، با مزدوران رژیم درگیر میشوند، در بسیاری از موارد حتی ماموران را مورد تعقیب قرار میدهند و از محل فراری می دهند و یا دامنه درگیری گسترده میشود و مردم به حمایت از زنان برمی خیزند.

ترفند جریمه و بستن مراکز خرید، مغازه ها، هتل ها، کافه شاپ هایی که زنان بی حجاب در آنجا ظاهر می شوند نه تنها قابل دوام نیست بلکه به نظر می رسد که اکنون در جاهایی با اعتراضات مغازه داران و صاحبان کافه و رستوران ها به ضد خود تبدیل شده است. اخیراً در مشهد کاسبکاران مغازه های پاساژ "طلس" دست به اعتراض جمعی زدند و به جریمه و بستن مغازه های خود بدلیل ارائه خدمات به بی حجابان به رژیم اعتراض نمودند. در بابل مردم بعد از بلمپ کردن یک مغازه شبانه در محل حاضر شدند و به پایکوبی و رقص پرداختند. درگیرهای لفظی با ماموران امر و نهی و آخوندها هم دیگر از دست رژیم دررفته است. مغازه ای در تهران اعلام نمود که به خانمهای بی حجاب ۵۰ درصد تخفیف می دهد و صاحب کافه شاپی زن بی حجابی را بخاطر "هنجار شکنی" قهوه ی سفارش داده شده اش را حساب نکرد.

واقعیت این است که دور انداختن و سوزاندن حجاب اسلامی نه تنها نماد آزادی و برابری است بلکه تقابلی آشکار با اسلام و کلیت قوانین عصر حجر، ضد انسانی، مردسالاری، زن ستیزی و زندگی سنتی است.

قوانین آپارتاید جنسی از محدودیت های اجتماعی و فردی زنان شروع شد تا جامعه را به عقب نشینی وادار کنند. سران رژیم شاهد فروپاشی تمام این نرمهای اسلامی هستند. حجاب که فرو ریخت دیگر بیش از این نمی توان جلو مدرنیسم و آزادیخواهی را گرفت.

برابری در همه ی شئون اجتماعی و فردی، در محل کار با شرایط برابر، دستمزد برابر در مقابل کار برابر، لغو قوانینی که کار زنان در آن ممنوع است، لغو مناسک مذهبی در انتخاب همسر و پارتنر، همزیستی آزاد بزرگسالان بدون دخالت قوانین مذهبی، لغو واگذاری سرپرستی خانواده و کودکان به مردان و بسیاری موانعی دیگری که مقابل پیشروی همه ی انسانها در جامعه ایران را به همراه دارد. لغو قوانین آپارتاید جنسی موانع رشد مدرنیسم را هموار میکند. هر چه بی خدایی و علیه مذهب ایستادن بیشتر می شود نوع دیگری از روش زندگی در میان مردم جا باز می کند. در نتیجه جامعه ی مورد نظر رژیم بیش از پیش فرو می ریزد. کفرکردن و لائیک بودن یک حق



شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



ارزیابی تک بعدی و سرزنش آمیز و یا توجیه آن باید موانع و محدودیتها را دید. اصلی ترین مانع هنوز این بود که تناسب قوا آن درجه تغییر نکرده بود، که رهبران و پیشروان جنبش کارگری به این نتیجه برسند، مقطع تعیین تکلیف قطعی تر با جمهوری اسلامی فرارسیده، تا با همه قدرت به میدان بیایند. کسی میتواند بگوید، خوب اگر کارگران با همه قدرت به صحنه میامند، در موقعیت

تعیین تکلیف جدیتر قرار میگیریم. اینجا با دقت بیشتر باید محدودیتهای سد راه جنبش کارگری را تشخیص داد. فرصت زیادی نیست با تفصیل وارد این جنبه بحث شد، به طور فشرده چند مانع جدی را یادآور میشوم. اولاً در نتیجه کارکرد سیستم استبدادی خشن متکی به کار ارزان، طبقه کارگر تحت فشار چند بار زیر خط فقر و مداوماً فعالین و پیشروانش تحت فشار و زندان هستند و این مانع بزرگی است. اثر فوریش تحمیل تفرقه در صفوف رهبران و پیشروان کارگری و نبودن همبستگی کافی در میان آنها است. نبودن انسجام و همبستگی کافی مبارزاتی بین فعالین کارگری با هم و با فعالین جنبشهای اجتماعی رادیکال سد بزرگی در راه همگام شدن و به صحنه آمدن همبسته و سراسری تر جنبش کارگری و جنبش توده ای است. در همین چهارچوب اعتصابات سراسری کارگری و مدتی ادامه کار به صندوق مالی اعتصاب نیاز دارد که تاکنون چنین امکانی فراهم نشده است. ثانیاً معضل مهمتر غیاب تشکلهای توده ای کارگری به دلیل ممنوعیت ایجادشان از جانب رژیم هار جمهوری اسلامی است. نبودن تشکل توده ای کارگری ترمز کننده اصلی ابراز وجود سراسری و همبسته است. تصور کنید اگر تشکلی مشابه همین تشکل شورای صنفی معلمان در جنبش کارگری وجود میداشت، شاهد چه تحول بزرگ مبارزاتی در جنبش کارگری میبودیم. این موانع شکل گیری رهبری موثر و با اتوریته در جنبش کارگری است. این موانع را باید دید و برای رفع آنها باید نقشه آگاهانه داشت.

ب: برآمد انقلابی بعدی و نقش طبقه کارگر:

فروکش کردن خیزش انقلابی چند ماهه اخیر به معنای پایان گرفتن جنب و جوش مبارزاتی هر روزه به شیوه های مختلف نیست. هنوز روزمره شاهد اعتراضات متنوع کوچک و بزرگ هستیم. پتانسیل مبارزاتی قوی و گسترده ای با تکیه به تجارب تاکنونی در راستای انفجار اجتماعی مجدد وجود دارد. به نظرم برآمد توده ای مجدد، آگاهانه تر و سازمانیافته تر در آینده دوباره قد علم میکند. در نتیجه صورت مسئله اینست جنبش کارگری و رهبران سوسیالیست کارگری و ما کمونیستها برای ایفای نقش موثر و بگذار صریحتر بگویم برای ایفای نقش رهبری چگونه خود را آماده میکنیم؟ در مناسبتهای دیگر به این موضوع پرداختیم و اینجا فرصت بحث مفصل نیست و فشرده برچند محور اساسی تاکید میگذارم. در چشم انداز ماکروی عروج آلترناتیوسوسیالیستی کارگری هفته قبل در پنل کارگری همایش کلن بر سه محور ۱- داشتن افق سوسیالیستی و کمونیستی ۲- ایجاد سازمانهای توده ای کارگری، از نظر من با محوریت سازماندهی مجامع عمومی و شوراها ۳- اتکاء به حزب کمونیستی و کارگری ریشه دار در جنبش کارگری و ابزار اصلی طبقه کارگر

صفحه ۵

کارگران و برآمد انقلابی بعدی

(سخنرانی رحمان حسین زاده در سمینار اول مه در

استکهلم)

در این سمینار و در فرصت معینی که هست من بر دو محور فوکوس میکنم.

الف: جنبش کارگری و خیزش انقلابی هشت ماهه اخیر ب: خیزش انقلابی بعدی و نقش طبقه کارگر

الف: در مورد جایگاه جنبش سرنگونی جاری و مشخصاً خیزش انقلابی هشت ماهه اخیر تبیینهای مختلفی هست. فرصت کنونی اجازه نمیدهد به تک تک این تبیینها بپردازیم. جریانات و یا کسانی نقش جنبش کارگری را در جنبش سرنگونی تاکنونی و برآمد انقلابی چند ماهه اخیر از شهریور و مهرماه گذشته تاکنون نمی بینند و یا دست کم میگیرند. اینها تحلیل سطحی از مسئله دارند. اولاً به قبل از خیزش انقلابی هشت ماهه برنمیگردند و از خود نمیپرسند، دو ماه و شش ماه و یکسال قبل از خیزش انقلابی به صحنه آمده بعد از قتل مهسا امینی، اساساً چه جنبشی عرض اندام میکرد؟ چه جنبشی فضای اعتراضی جامعه را شکل میداد و قدم به قدم بر تغییر تناسب قوا تاثیر میگذاشت؟

هر ناظر منصف میدانند، در یکدهه اخیر و حتی قبلتر هم مشخصاً جنبش کارگری اولین و مهمترین جنبش اجتماعی حاضر در صحنه مبارزه علیه تعرض معیشتی، برای بهبود شرایط کار و زندگی و علیه سرمایه داری حاکم و وضع موجود بود. تأثیرگذار بر فضای مبارزاتی جامعه و فراهم کننده تناسب قوی مساعد مبارزاتی برای انفجار اجتماعی بعد از قتل مهسا امینی بوده است. به نظرم رابطه جنبش کارگری را با جنبش سرنگونی قد علم کرده بعد از دی ماه ۹۶ و خیزش انقلابی هشت ماهه اخیر از این منظر باید دید. به علاوه در همین خروش انقلابی چند ماهه اخیر حضور کارگران و خانواده های کارگری را به انحاء مختلف میتوان دید. حضور کارگران و خانواده های کارگری در تظاهرات، در مبارزات محله محور، فرزندان کارگران در مدارس و دانشگاهها قابل توجه بوده است. یادمان هم باشد در سه ماهه اول خیزش انقلابی حداقل ۴۰ مورد اعتصابات کارگری مهم را داشتیم، که مضاف بر خواسته های اقتصادی خویش، همبستگی خود را با مبارزات در حال جریان اعلام میکردند. اما چون ابعاد خیزش انقلابی در آغاز بزرگ و گسترده بود، حدود چهل مورد اعتصابات کارگری شاید در حد شایسته مورد توجه نبوده است. اینجا این بخش بحث را با این تمام میکنم که به نظرم مبارزات کارگری اساساً در فراهم کردن تناسب قوی مساعدتر شکل دهنده خیزش انقلابی ماههای اخیر نقش تسهیل کننده جدی داشت. مضافاً کارگران و خانواده های کارگری در مبارزات جاری حضور فعال و اساسی داشتند.

طبعاً این مشاهده و این توقع درست هم مطرح است، که اگر همزمان با خیزش انقلابی چند ماهه اخیر، به ویژه در ماههای اول اوج آن، اعتصابات بزرگ کارگری در مراکز تولیدی تعیین کننده به میدان میامد، تعیین تکلیف جدی تری با جمهوری اسلامی صورت میگرفت. به نظرم توقع قابل انتظاری از جنبش کارگری و کارگران به عنوان هدایت گر و رهبر تحولات انقلابی مطرح است. اینکه چرا شاهد زنجیره اعتصابات بزرگ کارگری از جمله در مراکز کارگری کلیدی نبودیم، به جای نقد و

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!

کارگران و برآمد انقلابی بعدی

(سخنرانی رحمان حسین زاده در سمینار اول مه در

استکهلم)

در جدال برسر قدرت سیاسی تأکید کردم. اینجا و در فرصت باقیمانده به اقدامات کنکرت و ضروری در راستای کسب آمادگی طبقه

کارگربرای تأمین رهبری در تحولات انقلابی بعدی به نحو فشرده اشاره میکنم.

۱- شکل دادن به شبکه مبارزاتی متحد و همگام رهبران و پیشروان سوسیالیست کارگری: به نظرم در تناسب قوای کنونی و در غیاب تشکلهای کارگری هدایت گر و موثر متحد کننده مبارزات کارگری، عملی ترین و ممکن ترین راه متحد کردن بخشهای مختلف جنبش کارگری، همگامی و همکاری رهبران و پیشروان کارگری به نحو شبکه همبسته و همکار در بطن مبارزات جاری است.

یک حلقه مهم در برآمد توده ای بعدی ایجاد اتحاد و همگامی بین جنبش کارگری و جنبش توده ای است. به این منظور شبکه رهبران و فعالین کارگری میتواند و ضروریست با رهبران و فعالین جنبشهای اجتماعی رادیکال و فعالین مبارزات توده ای، با فعالین مبارزات در محله و دانشگاه و سطح شهر همگامی و اتحاد مبارزاتی لازم را ایجاد کنند. ابراز وجود همگام جنبش کارگری و توده ای فاکتور مهمی در تغییر تناسب قوای مبارزاتی خواهد بود.

۲- به دست گرفتن پرچم مبارزاتی مشخص و متحد کننده بین جنبش کارگری و توده ای در شرایط انقلابی کنونی و در برآمد توده ای بعدی اهمیت اساسی دارد. به نظرم قطب نمای جنبش کارگری و جنبش توده ای رادیکال سرنوشتی جمهوری اسلامی و فراتر از آن ساقط کردن حاکمیت بورژوازی است. در عین حال در تناسب قوای کنونی و پیشرو مسئله اینست حول کدام پرچم و خواست مشترک و مشخص جنبش کارگری و توده ای متحدانه و گسترده به صحنه میایند. در این دوره بسیاری خواسته ها و شعارهای برحق و رادیکال مطرح شده اند. قطعنامه ها و منشورهای قطب چپ آمده و مثبت هم هستند. با این وجود من فکر میکنم در این شرایط برجسته کردن پرچم مبارزاتی "علیه فقر و تبعیض و علیه حجاب اسلامی و برای آزادی و برابری و رفاه" موثرترین پرچم مبارزاتی برای به میدان کشیدن بیشترین پتانسیل مبارزاتی جنبش کارگری و جنبش توده ای در این دوره و در جهت خروج رهبری چپ و رادیکال در برآمد انقلابی بعدی است.

۳- واضح است یک اهرم مهم دیگر پیشروی جنبش کارگری ایجاد سازمانهای توده ای کارگری است: در بطن اعتصابات و اعتراضات جاری و با هر سطح از تغییرتناسب قوا، لازمست تشکلهای کارگری را در محل کار و رشته های کارگری ایجاد و تحکیم کرد. از نظر ما و البته تجارب تاکتونی سازمانیابی در جنبش کارگری، نشان میدهد که مجامع عمومی و ایجاد شوراها را باید گسترش داد. در عین حال از اشکال دیگر تشکل مبارزاتی کارگران باید استقبال کرد.

۴- نهایتاً برای وارد کردن ضربه نهایی به جمهوری اسلامی و ساقط کردن حاکمیت بورژوازی طبقه کارگر باید به ساز و کار این اقدام، یعنی به حزب کمونیستی خود متکی شود. این بدیهی ترین درسی بود که ما مارکسیستهای انقلابی و کمونیسم کارگری بعد از به شکست کشاندن جنبش انقلابی و کارگری سال ۵۷ گرفتیم. به همین دلیل در چهار دهه گذشته به تحزب کمونیستی متکی بودیم. امروز بیش از هر زمان دیگر

مسئله اتکا به حزب کمونیستی روی میز رهبران و پیشروان سوسیالیست کارگری است. در این سمینار اشاره شد، در میان فعالین کارگری آگاه و سوسیالیست ضرورت داشتن حزب کمونیستی مطرح است. شخصاً از این واقعه خوشحالم. من فراخوانم به این همزمان و عزیزان اینست حزب کمونیستی مناسب را برای پیشبرد مبارزه و امر مشترکمان انتخاب کنید. با صراحت میگویم کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری-حکمیست را انتخاب کنید. این حزب را فتح کنید تا دست در دست هم رهبری کمونیستی و کارگری را در تحولات انقلابی آتی تأمین کنیم. بارها گفته ام و اینجا هم تکرار میکنم اگر رهبران و فعالین سوسیالیست کارگری به انتخاب حزبی همانند حزب ما قانع نیستند. خوب آنها حزب کمونیستی را بسازند. ما هم نگاه میکنیم. واقعا تشخیص دهیم حزبی که ساخته شده کمونیستی تر و موثر تر از حزب کنونی ما عمل میکند، آنوقت به سهم خود سعی میکنم حزبان را قانع کنم ما به آنها بپیوندیم.

متن کتبی سخنرانی در سمینار اول مه ۲۰۲۳ در شهر استکهلم. در جریان کتبی کردن در حد معینی تکمیل و تدقیق شده است.



گرمای باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

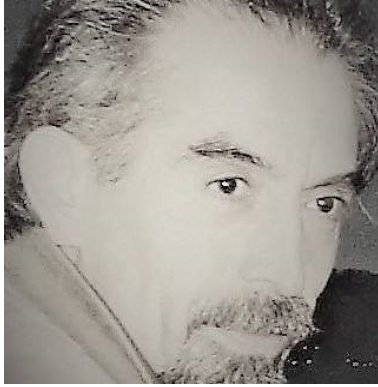
زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

اول مه در کشورهای جهان

صدای اعتراض ضد کاپیتالیستی رساتر بود

سیاوش دانشور



در لندن بویژه که مصادف با تاجگذاری چارلز سوم در شش می است، عده ای از مخالفین با شعار "شاه من نیستی" علیه این مراسم و صرف هزینه های زیاد از جیب طبقه کارگر اعتراض کردند. اما اعتراضات اصلی کارگری اتحادیه تی یو سی در مخالفت با ریاضت اقتصادی، هزینه کردن برای جنگ در اوکراین، خواست افزایش دستمزد و پایان دادن به تبعیض ها بود. در اینروز از اعتصاب های جاری در حمل و نقل و ترانسپورت، معلمان و کارگران پست حمایت شد. سخنرانان از جمله جان مک دانال رئیس کمیته همبستگی کارگری از طبقه کارگر و حرکت انقلابی در ایران حمایت کرد.

در میلان ایتالیا اتحاد ال کوباس و دیگر اتحادیه ها تظاهراتهای بزرگی برگزار کردند. کارگران ایتالیا علیه خصوصی سازی و تغییر شرایط کارند و خواهان افزایش دستمزدها و خدمات عمومی هستند. در دوران کووید-۱۹ کارگران ضربات مهلکی متحمل شدند.

در اسپانیا کارگران با هم طبقه ای های فرانسوی همصدا بودند. آنها علیه طرح های ریاضتی از جمله افزایش ساعات کار، افزایش سن بازنشستگی و قوانین جدید و سختگیرانه در محل کار اعتراض کردند.

در دیگر کشورهای اروپا نیز جمعیت امسال بسیار وسیعتر و شعارها رادیکال تر بود. برخلاف سال گذشته دیگر سایه جنگ در اوکراین حس نمیشد. در آلمان، بلژیک، دانمارک، سوئد، نروژ، فنلاند و ... گزارش ها همه حاکی از جمعیت وسیعتر و معترض تر است.

اول مه در دیگر کشورها

در کره جنوبی بزرگترین روز کارگر بعد از دوره پاندمی برگزار شد. تنها در سئول پایتخت کره جنوبی حدود ۳۰ هزار کارگر به دعوت کنفدراسیون کار در مراسم اول مه شرکت کردند. افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار شعار محوری کارگران کره جنوبی در اول مه بود.

در ژاپن مطالبات مشابه کره جنوبی مطرح شد. جبران لطمات دوره پاندمی و بطور مشخص افزایش دستمزدها و مبارزه با فساد از شعارهای معترضین در اول مه ژاپن بود. کارگران در ژاپن به افزایش دو برابر بودجه نظامی معترض اند و میگویند این هزینه ها باید برای رفاه اجتماعی صرف شود.

در تایوان هزاران کارگر در اول مه علیه شرایط جدید کار اعتراض کردند. آنها علیه سیاستهایی که کارفرمایان در "جزایر خودگران کار" پیش میبرند و کمبودها و فشارهای ناشی از آن اعتراض کردند و خواهان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۴ شدند.

در فیلیپین هزاران کارگر عصبانی در خیابانهای مانیل تظاهرات کردند و در نزدیکی کاخ ریاست جمهوری مالاکانانگ صداها بلندتر شد. کارگران خواهان افزایش دستمزدها شدند و علیه بیکار سازی و برون سپاری کار و از بین رفتن مشاغل اعتراض کردند.

در جاکارتای اندونزی کارگران خواهان لغو "قانون ایجاد شغل" توسط دولت شدند. دولت میگوید این قانون بنفع کارفرمایان و کارگران و محیط زیست است. کارگران خلاف ادعای دولت را دارند و میگویند این قانون صرفا بنفع کارفرمایان است.

در هندوستان و شهرهای مختلف تظاهراتهای بزرگی بمناسبت اول مه برگزار شد که کاهش ساعت کار و افزایش حقوق از مطالبات اصلی آنها بودند. اعضای مرکز اتحادیه های کارگری هند (CITU) در یک تجمع به مناسبت روز اول مه در حیدرآباد تجمع کردند.

در سریلانکا کارگران با اجتماع و راهپیمایی علیه سیاستهای صندوق بین المللی پول از جمله اعمال ریاضت اقتصادی و زدن

اول مه، روز جهانی کارگر ۲۰۲۳ در قیاس با سالهای گذشته گسترده تر، توده ای تر و رادیکال تر برگزار شد. در اینروز بزرگترین اجتماعات، راهپیمایی، اعتصاب و اعتراض صورت گرفت. کارگران در کشورهای مختلف مسائل مختلفی را برجسته کردند اما همه جا علیه کاپیتالیسم و نظم کنونی، علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی، علیه میلیتاریسم و جنگ طلبی، علیه سیاستهای خصوصی سازی اموال عمومی و موقت سازی قراردادهای کار، برای افزایش دستمزدها و حقوق پایه کار مانند؛ امنیت شغلی، ایمنی محیط کار اعتراض کردند و متحدانه شعار سر دادند.

آمریکای شمالی

در آمریکا و کانادا اول مه بعنوان روز کارگر تعطیل نیست و بجای آن در ماه سپتامبر "لیندر دی" برگزار میشود. اول مه از آمریکا نضج گرفت اما مهمترین دموکراسی جهان روز جهانی کارگر را برسمیت نمیشناسد. لذا اتحادیه های کارگری در اینروز در شهرهای آمریکا و کانادا کار می کنند و برنامه تظاهرات و جشن روز کارگر را ندارند. اما گروه های چپگرا بطور محدودتری برنامه هایی از جمله تظاهرات و جلسات در روز اول مه برگزار می کنند. امسال در آمریکا سازمان "اتلاف اول مه" که عمدتاً ترکیبی از کارگران مهاجر و پناهندگان و فعالین چپ است، در چند شهر از جمله شیکاگو، نیویورک، واشنگتن، بوستون، فیلادلفیا و کالیفرنیا اجتماعاتی سازمان دادند. اعتراض علیه خشونت پلیس علیه مهاجرین، دفاع از حقوق برابر شهروندی در این اتلاف و اجتماعات برجسته شد. در تورنتو و مونترال و شهرهای کانادا نیز برنامه هایی توسط "اتلاف می دی" برگزار شد.

آمریکای جنوبی

در کشورهای مختلف تظاهراتها و اجتماعات بزرگی قبل از اول مه و در روز اول مه برگزار شدند. از جمله بونوس آیرس آرژانتین، السالدور، سانتیاگو شیلی، اکوادور، هندوراس، پاناما، اروگوئه، ونزوئلا و مکزیک محل برگزاری بزرگترین تظاهراتها بودند. اجتماعات اول مه در شهرهای مختلف این کشورها نیز شکل گرفتند اما تظاهراتهای بزرگ و سراسری در پایتخت کشورها از جمله در آرژانتین و مکزیک و شیلی برگزار شدند. در برخی نقاط و شهرهای مختلف درگیری هایی با پلیس ایجاد شد. امسال برای اولین بار حزب حاکم در کوبا اول مه را برگزار نکرد.

اروپا

امسال فرانسه سنگر داغ اول مه اروپا بود. بزرگترین اول مه با چند میلیون شرکت کننده یک وجه قدرتمندی طبقه کارگر فرانسه علیه دولت مکرون و طرح کاهش سن بازنشستگی بود. آمارهای دولت و پلیس و اتحادیه ها از سه الی پنج میلیون شرکت کننده متفاوت اند. جمعیت شرکت کننده در پاریس و شهرهای دیگر فرانسه در قیاس با سال قبل حدود ده برابر بود. توده مردم معترض، محلات حاشیه پاریس و جمعیت های مهاجرین، کارگرانی که مشمول هیچ قانونی نمیشوند، وسیعاً در کنار کارگران متشکل بمیدان آمدند، تمایل به اعتراض بحدی وسیع بود که نیروهای راست و فاشیست لوپن تلاش کردند خودی نشان دهند و از تناقضات بهره جویند. اما همه جا شعارهای ضد نژادپرستی و فریاد اتحاد طبقاتی بلندتر بود و نیروهای فاشیست جبهه ملی نتوانستند اول مه را لجن آلود کنند. مکرون و طرحش مورد هدف بود. در درگیری ها تعداد زیادی زخمی و بازداشت و به بیمارستان منتقل شدند.

اول مه در کشورهای جهان

صدای اعتراض ضد کاپیتالیستی رسا تر بود

سیاوش دانشور

حقوق های کارگران و سیاست خصوصی سازی اعتراض کردند.

در پاکستان اجتماعات اول مه "بدلائل امنیتی" در برخی شهرها ممنوع شده بود اما در پیشاور و دیگر شهرها اتحادیه های کارگری و سازمانهای چپ مراسمهای اول مه را طی جلساتی برگزار کردند و طی این جلسات خواهان استیفای حقوق کارگری شدند. در لاهور تظاهرات خیابانی برگزار شد و کارگران خواهان تجدید نظر و بازنویسی قانون کار و افزایش دستمزدها شدند.

در لبنان اعضای سندیکاها و حزب کمونیست بمناسبت اول مه در خیابانهای بیروت راهپیمایی کردند. کارگران خواهان تغییر در اوضاع فلاکتباری هستند که فی الحال سه چهارم جامعه را به زندگی زیر خط فقر محکوم کرده است.

در ترکیه جمعیت وسیعی به سمت میدان تکسیم راه افتاد. همان مکانی که پلیس بدلیل اتفاق تاریخی اول مه در این محل، اجازه ورود را نمیدهد و امسال نیز مانند هر سال با درگیری های خیابانی روبرو شد.

اول مه امسال در متن بحرانهای اقتصادی و تقابل های قدرتهای سرمایه داری، از تحرک جدید طبقه کارگر و بازیابی خود از محدودیتها و فشار پاندمی و جنگ خبر میداد. تشدید شکاف طبقاتی و روند ارزان سازی نیروی کار همه جا کارگران را به مصاف دولتها و نمایندگان سیاسی طبقه سرمایه دار جهت میدهد. خواستهای صریح رفاهی و تقابل با سیاستهای ریاضتی، انقباضی و تحمیلی دولتها در اول مه موج میزد. شعار محوری و عمومی تر اول مه در اروپا و بیشتر کشورهای جهان افزایش دستمزدها و خواست شرایط بهتر کار بود. در بسیاری کشورها کارگران دولت را در قبال لطمات دوره کووید-۱۹ مسئول و خواهان جبران لطمات وارد شده به خانواده های کارگری و شرایط کار شدند.

۵ مه ۲۰۲۳

اعلامیه حزب حکمتیست

وحشت جمهوری اسلامی از روز

کارگر، احضارها و بازداشت ها تو خالی اند،

امواج اعتراض و اعتصاب گواهی اند!

جمهوری اسلامی به سیاق همیشه، اما وحشت زده تر از سابق، در شهرهای مختلف دست به احضار و بازداشت و تهدید فعالین و رهبران کارگری و فعالان جنبشهای آزادیخواه زده است.

امروز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت، ستاد خبری و اداره حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی سندج؛ ۱- مظفر صالح نیا، ۲- رامین کریمی، ۳- شریف ساعد پناه، ۴- هاجر سعیدی، ۵- کامران ساختمانگر، ۶- سوسن رازانی، ۷- حبیب الله کریمی، ۸- رضا امجدی، ۹- ریویار

عبداللهی را احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار داد. همینطور در آستانه ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر و ۱۲ اردیبهشت روز معلم در ایران، نیروهای امنیتی دست به احضار گسترده معلمان زند و روز شنبه ۹ اردیبهشت، محسن عمرانی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر را بازداشت کردند.

روز جمعه ۸ اردیبهشت، تعدادی از فعالان سیاسی برای ابراز همبستگی به دیدار خانواده معلم زندانی، محمد حبیبی رفته بودند. ماموران امنیتی با یورش به خانه محمد حبیبی و ضرب و شتم حاضرین مبادرت به بازداشت آنها کردند. در جریان این بازداشت یکی از خانمهای معلم دچار حمله قلبی شد و در بیمارستان بستری گردیده است. طی این حمله وحشیانه، سارا سیاهپوش، اولدوز هاشمی، ناهید کبیری و پروین اسفندیاری پس از ضرب و شتم به بیمارستان منتقل شدند. همینطور کامیار فکور، سروناز احمدی، عسل محمدی، هیراد پیربدایی، آنیسا اسداللهی، ریحانه انصاری نژاد، ژاله روحزاد و حسن ابراهیمی توسط ماموران امنیتی بازداشت و به بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات در زندان اوین منتقل شدند.

گزارشهای دیگر از تهدید فعالین کارگری در تهران و مناطق صنعتی جنوب، تهدید فعالین اجتماعی با ارسال پیامک به عدم شرکت در روز کارگر، تهدید پزشک معالج خانم نصرت بهشتی در مشهد و تهدید فعالین و مبارزان خبر میدهند.

امروز یکشنبه از جمله با اجتماعات سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی، ادامه اعتصابات گسترده کارگران پیمانی و پروژه ای، اعتصاب و تجمع پرستاران، اعتصاب کارگران پتروشیمی ماهشهر، اعتصاب کارگران لاستیک یزد، اعتصاب کارگران و کارکنان نیروگاه منتظری اصفهان روبرو بودیم. از هر گوشه شور و شوق اول مه موج میزند. زندانها و دیوارها و سرکوب خشن نتوانسته اند صدای کارگر و آزادیخواهی را سد کنند. پیامهای زندانیان سیاسی در مناسبت اول مه، نشان میدهد که حکومت خامنه ای و جمهوری فلک زده اسلامی آب در هاون می کوبد.

جمهوری اسلامی مورد انزجار دهها میلیون کارگر و زحمتکشی است که زندگی شان ساقط شده و به فقر و فلاکت محکوم شدند. تحرک گسترده کارگران برای اول مه، پتانسیل وسیع اعتراضی میان کارگران علیه وضع موجود، نفرت انباشته در جامعه و عزم عمومی برای پایان دادن به جمهوری اسلامی، مبنای واقعی وحشت حکومت از روز جهانی کارگر است. کارگران با اعتصاب و اعتراض می آیند تا بساط فقر و فلاکت، استثمار و استبداد را برچینند. اول مه همه جا محکمتر از هر زمان برای برافراشتن پرچم کارگران، پرچم وحدت بین المللی طبقه کارگر علیه سرمایه داری، پرچم آزادی جامعه بمیدان بیابیم و حکومت خامنه ای و سرمایه داری ورشکسته ایران را بیش از پیش عقب رانیم.

زنده باد اول مه!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

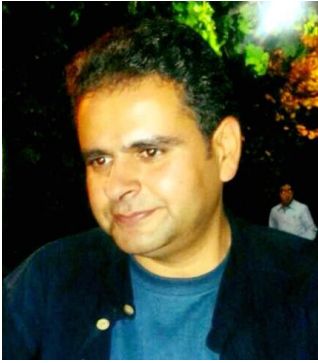
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست



۱۰
اردیبهشت
۱۴۰۲
-
آوریل
۲۰۲۳

۳۰

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



بحث کم آبی مهاجرت میکنند، این در حالی است که بحران کمبود آب در صورت مدیریت و حکمرانی اصولی و صحیح می‌تواند به شکل چشمگیری کاهش پیدا کند.

برداشت بی‌رویه از منابع آبریززمینی و حوزه‌های آبریز کشور، خشک شدن دریاچه‌ها، فرونشست‌های پیاپی در نقاط مختلف ایران را حاصل مدیریت نامناسب آب در کشور است. این در حالی است که برای توقف برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی و مقابله با «خشکسالی با منشأ انسانی» در ایران، هیچ اقدام جدی صورت نگرفته است.

یکی از نکات مهم در خصوص مدیریت منابع آبی، مسئله مدیریت بهره‌برداری و کشت است. که همانند هر مسئله دیگر در جمهوری اسلامی بصورت کاملاً ناصحیح اجرا می‌شود، انتقال آب از سرشاخه‌های کارون به استان‌های اصفهان، یزد و کرمان برای مصارفی چون کشت برنج راهکاری کوتاه مدت است و تنها زمینه هدر رفت منابع آبی کشور را فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، این انتقال در مناطق جنوبی، تغییر اقلیم را در پی دارد و برای مثال در استان خوزستان، بخش بزرگی از محیط زیست و کشاورزی این خطه را از بین برده است. در مجموع می‌توان ادعا کرد که در بحث خشکسالی، ایران بیشترین آسیب را نه از الگوی مصرف آب شرب شهروندان که از مدیریت مصرف آب دیده است.

فرونشست زمین

فرونشست زمین پدیده‌ای است که در نتیجه استفاده بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی رخ می‌دهد.

این بحران به اندازه‌ای خطرناک است که می‌تواند به وقوع بحران‌های متعدد، از جمله کسری شدید و تهی شدن آبخوان‌ها، فرونشست زمین، تهدید اکوسیستم و محیط‌زیست مناطق آسیب‌دیده و همچنین دیگر تبعات اجتماعی و اقتصادی بینجامد.

با وجود اینکه پدیده فرونشست زمین در ایران به مرحله بحرانی رسیده است، دولت اقدام مناسبی در جهت کاهش پیامدهای آن انجام نداده‌اند. یکی از دلایل گسترش پدیده فرونشست زمین در سال‌های اخیر، عدم تناسب بخشی از اهداف و سیاست‌های توسعه‌ای کشور (مانند خودکفایی در تولید غذا) با ظرفیت واقعی منابع آب به‌خصوص منابع آب زیرزمینی بوده است. در بسیاری از مناطق کشور، عدم دسترسی مناسب به منابع آب سطحی و همزمان، دسترسی آسان‌تر و ارزان‌تر به منابع آب زیرزمینی، به افزایش حجم بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی (به صورت مجاز و غیرمجاز) منجر شده است.

فرونشست زمین در ایران ۵ برابر متوسط جهانی است و اکنون ۲۹ استان ایران درگیر این فاجعه می‌باشند.

اخیراً گزارشی از سازمان نقشه برداری کشور به وزیر کشاورزی ارسال گشته که در آن اشاره شده فقط در شهر تهران ۵۵۰ کیلومتر مربع دچار فرونشست گشته است، که شامل بخشی از خطوط راه آهن و انتقال شبکه فشار قوی برق می‌شود. بالاترین نرخ فرونشست زمین در استان کرمان است، اما نکته قابل توجه این گزارش مهر فوق محرمانه بودن آن است که نشان از این موضوع دارد جمهوری اسلامی در حال پنهان نمودن این فاجعه هولناک از مردم است در حالی که مستقیماً به جان مردم در ارتباط است.

این خلاصه گزارشها یعنی تا چند سال آینده بسیاری از مناطق ایران غیر قابل سکونت میگردد، اکوسیستم به طور کامل تخریب میشود، بحث کوچ اجباری جمعیت وسیعی به مناطقی که قابل سکونت باشد اتفاق می‌افتد، که خود ده‌ها تأثیر سو را به دنبال دارد،

جمهوری اسلامی؛ عامل فاجعه بحران کم آبی و فرونشست زمین

وریا روشنفکر

هر روزه ما شاهد اعتراضات و اعتصابات گسترده به فقر، تورم، فساد، حجاب اجباری، و ده‌ها مورد دیگر از جانب کارگران و معلمان و بازنشستگان و درکل توده مردم به شرایطی که نظام جمهوری اسلامی تحمیل کرده است هستیم، هر روزه دهها خبر از حمله شیمیایی به مدارس، بازداشت فعالین کارگری و مدنی، حمله وحشیانه در خیابانها به زنان بنام امر به معرف ونهی از منکر در رسانه‌ها پخش میگردد، در این شرایط فاجعه‌ای در حال وقوع است، که شاید بتوان ادعا کرد، تبعات و عوارض آن چنان ویرانگر است که حتی اگر همین فردا جمهوری اسلامی شرش کنده شود، این معضل بصورت دراز مدت گریبان گیر ایران است و قسمتی از آسیبهای آن از دید کارشناسان غیرقابل ترمیم است، بحران آبهای زیر زمینی و فرونشست زمین!

بحرانی که همانند هر مقوله در طول حیات جمهوری اسلامی، به علت مدیریت ناصحیح، نگاه کالایی به مسئله آب، فساد و رانت در حوزه سد سازی و عدم کنترل آبهای سطحی، عدم توجه به محیط زیست و زمین و جنگل که باعث بیابان سازی و فرسایش خاک گشته، نه تنها امروزه به مشکل و معضلی بزرگ تبدیل گشته که مستقیماً زیست بوم را برای انسان و جانوران در خطر جدی قرار داده، بلکه تأثیرات مخرب و بعضاً غیر قابل جبرانش میتواند زندگی نسلهای آینده را باخطر بسیار جدی مواجه کند

خشک شدن سفره‌های آب زیرزمینی می‌تواند امنیت غذایی، اقتصادی و اجتماعی انسانها را با چالش جدی مواجه کند، در اینجا به چند مورد از دلایل و خطرات این موضوع اشاره میکنم:

ناکارآمدی و فرسودگی زیرساخت‌های آبخیزداری، مهمترین دلایل بحران آب در ایران

کاهش حجم آب‌های زیرزمینی که از سال ۱۳۵۵ به‌طور محسوس شروع شده با گذشت چند دهه، میزان کسری آن به ۱۳۵ کیلومتر مکعب رسیده است. افت سطح آب در تمامی حوضه‌های آبریز کشور محسوس و به تبع آن "فرونشست زمین" در تمامی استان‌های در حال رخ دادن است. نسبت به دهه ۵۰، تعداد چاه‌های عمیق آب در ایران بیش از ۱۷ برابر شده است و از ۴۵ هزار حلقه به بیش از ۸۰۰ هزار رسیده است.

با افت سطح آب‌های زیر زمینی، این آب‌ها از افق‌های عمقی پایین‌تر استحصال می‌شود، جایی که به‌دلیل شوری و ملحیت بالا، آب سنگین‌تر قرار دارد. چنین امری باعث شده است که شوری متوسط آب‌های زیرزمینی به دو برابر افزایش یابد

بیش از ۳۰۰ شهر ایران با تنش آبی مواجه‌اند. طی سال‌های اخیر بارندگی‌ها در کشور کاهش و خشکسالی افزایش یافته است. آب‌های حاصل از محدود بارندگی‌ها نیز به‌دلیل نبود برنامه‌های هدفمند آبخیزداری و نبود زیرساخت‌های لازم برای هدایت آبهای سطحی، در کاهش بحران کمبود آب در کشور تأثیری نداشت. بطوری که برای مثال فقط در استان لرستان سالانه ۱۳ هزار نفر به علت بیکاری ناشی از

چه تفاوتی در انتخاب سلطنت و رژیم ولایت فقیه وجود دارد؟

سامی آزادمنش

و انباشت سرمایه است که شهود و گواهی این همه خشونت طبقاتی و ملی و جنسی دلالت بر حاکمیت این نوع سیستمها دارد. کم رنگ بودن و یا پر رنگ بودن خشونت و ستم در جوامع سرمایه داری به میزان ایستادگی و مبارزه طبقاتی در آن جوامع بستگی دارد نه خوب یا بد بودن حاکمیت سرمایه داری.

جهان معاصر از درد تازیانه این سیستمهای دست راستی با هر شکل مطبوعش مینالد. پس عملاً هیچ تفاوتی در نظامهای مختلف حاکم بر جهان اعم از سلطنت و جمهوری و دموکراسی پارلمانی وجود ندارد، و قتیکه بدقت به شیوه حکومت در کشورهای دموکراسی خواه در قلب اروپا مینگریم از مشارکت و همدستی در ارتکاب به جرم و تهاجمات خارجی و بازیهایی دیپلماتیک و شیادی آنان در عرصه بین المللی و اداره حکومت با رویه های رایج طبقاتی و دو صف مجزایی طبقاتی و تضادهای موجود میتوان بسهولة ماهیت همه دولتهای حاکم را تعریف کرد.

آزادی، برابری و سوسیالیسم تنها گزینه رهایی بشر از یوغ بردگی است. تعالی انسان در گرو تحقق سوسیالیسم بعنوان یگانه راه حل گسستن زنجیر استثمار و بردگی و بربریت از یوغ انواع ستم حاکم بر جهان است. نظامی که قوانین حاکم بر سرنوشت انسان را با فرمولی جدید و در برسمیت نشناختن مالکیت خصوصی بعنوان سرچشمه مهمترین قیود بندگی و بردگی مینویسد. نظامی است که اساس آن انسان است. زنده باد سوسیالیسم!

۱۵ اردیبهشت ۲۰۲۳

جمهوری اسلامی؛ عامل فاجعه بحران کم آبی و فرونشست زمین

وربا روشنفر

و اینجا این سوال مطرح میشود که آیا مناطق قابل سکونت ظرفیت اجتماعی، اقتصادی و رفاهی لازم برای سکونت این موج از مهاجرت را دارد؟ آیا اگر فقط از جنبه محیط زیستی به مسئله نگاه شود، در همان بحث آب این مناطق میتوانند جوابگوی تامین آب و خوراک باشند؟ یا سیکل این فاجعه همچنان ادامه میابد؟!

بر اساس آمارهای بین المللی، منابع داخلی آب شیرین طی سه دهه اخیر در جهان ۹ درصد کاهش داشته است، در حالی که میانگین این رقم در ایران ۵۶/۷ درصد بوده است. این کاهش سالانه منابع داخلی آب شیرین در ایران طی مدت یاد شده، هشت برابر بریتانیا، سه برابر آمریکا و ۲/۷ برابر ژاپن بوده است.

با توجه به در پیش بودن پنج ماه گرم، پیش بینی می شود ایران از نظر تامین منابع آب شرب و کشاورزی با سال بسیار سختی روبرو خواهد بود، و خود مقامات حکومتی از احتمال جیره بندی و حتی برنامه ریزی قطع شدن آب در استان های در معرض کمبود جدی آب خبر داده اند.

به گزارش وزارت نیروی جمهوری اسلامی ایران، از بین ۸۰ سد مهم آب شرب و کشاورزی در کشور، در پایان فروردین سال جاری ۲۷ سد کمتر از ۵۰ درصد پر شده اند؛ به این معنا که حدود ۳۵ درصد از سدهای کشور با ظرفیت کمتر از ۵۰ درصد در حال فعالیت اند.

بنا به این گزارش، ۵۲ سد نیز دارای تراز منفی اند و بر این مبنای در پایان فروردین سال جاری در قیاس با مدت مشابه سال گذشته، حدود ۶۵ درصد از سدهای مهم کشور تراز منفی و ذخیره آب کمتری دارند.

فاجعه های محیط زیستی نیز بخشی از دستاورد دو نظام سلطنت و جمهوری اسلامی است، بمانند صدها پارامتر دیگر که جز حقوق پایه در زندگی انسان هاست، بواسطه این حکومتها برای مردم ایران بمانند رویا گشته است، حقوقی که برای هر یک باید مبارزه کرد و هزینه داد، ولی راحل نهایی قطعاً زمانی محقق میشود که جامعه بدست صاحبان واقعی خود اداره شود و دست سرمایه داری باتمام اشکالش از شر مردم کم شود. اما باید متوجه بود اقتصاد و سیاست در یک کشور قابل ساخت مجدد است،

حال به فرض یک دوره مشخص تحمل سختی و تلاش، اما یکسری از تخریبها بمانند بحث آب و خاک و محیط زیست، باتمام پیشرفت در علم و تکنولوژی و وجود کارشناسان خبره، یا غیر قابل جبران است و یا سیکل ترمیم اش چندین صده بطول می انجامد و آثار مخربش بواقع بسیار بسیار فاجعه بار است.



نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!



و شان ازدواج با طبقه رعیت و کشاورز نمیدانستند. حالا دیگر خشونت‌های خوانین و روایات آن دوران بماند که بحث را طولانی میکند. با این توضیح اندک رژیمی با این ماهیت را امروز طرفداران سلطنت طلبان در خارج با همه توان خود سعی در وارونه جلوه دادن حقایق دارند و از آن دوران یک بهشت میسازند، فی الواقع این انتخاب جامعه را بین دو دوران بد و بدتر و یا هم وزن را با تمام ابعادش به خورد افکار عمومی میدهند.

رژیم جمهوری اسلامی تمام ماحصل تجهیزات و تسلیحات و دستگاه‌های سرکوب پهلوی را تحویل گرفت و با کشتار مخالفین جلو رفت. شاید تنها تفاوت دوران پهلوی با حکومت جدید در این باشد که حجاب در دوران شاه آزادتر بود و این همان دفاع تمام قد "پهلویسم" از واژه آزادیست!!!

رژیم پهلوی دوران آموزش و ترویج آخوندیسم و زیارتگاهها بود، زنان هنوز از دار قالبیابی و کار کمرشکن در خانه و مزرعه رها نشده بودند که رژیم تازه به دوران رسیده با قید و بند ملحفه و حجاب به سرکوب فرهنگی و اجتماعی نیمی از جامعه پرداخت زیرا نیک میدانست تبدیل جامعه به دو بخش مردسالار و زن ستیزی به انشاق در جامعه بفع نظام حاکم کمک شایانی میکرد که هنوز هم این رژیم با اعمال سرکوب و سلب آزادی زنان به این تفرقه جنسیتی دل و چشم امید دوخته است.

بلحاظ سیاسی جمهوری اسلامی میراثدار همان نظام سابق است ولی فقیه و آیات الله های ملوکوتی!! با نسخه شریعت به جنگ هر تفکر سیاسی و جنگ احزاب سیاسی رفت و برای قلع و قمع مخالفین از کوششی فروگذار نکرد، بیش از ۴ دهه خونین و یک تاریخ مملو از اعدام و کشتار فضای سیاسی را بشدت مسدود و محدود کرد، نبود رسانه ها و تریبون آزاد و فضای اختناق به گونه ای بود که این حکومت نیز به سان حکومت پهلوی تاریخ را یکطرفه نوشتند و از ستمهای ناروا بر آذیخواهان و مخالفان لب نگشودند و بلاعکس اقدام به مظلوم نمایی هم کردند. مستمسک قرار دادن استفاده از دین و مذهب و ایجاد اختلافات مذهبی و قومی ابزار دوام و قوام این نظام جدید شد.

فضای مقدس مآبی و ترویج خرافات هم در آموزش و پرورش و در سطح جامعه نتوانست چشم توده های مردمی را از دیدن حقایق کور کند، جوانان این نسل با استفاده از تکنولوژی خبررسانی و رسانه ای آزاد و تلاش انقلابیون واقعی دروغ این توهم پراکنی های سلطه حاکم اسلامی را باور نکرد و به این دیکتاتوری حاکم واکنش نشان داد. از لحاظ اقتصادی نیز رژیم اسلامی همزاد رژیم پهلویست، ماهیت این سیستم هم یک حکومت الیگارشویی و کاملاً فاسد و غرق در بیعدالتی و استثمار عریان جامعه کارگریست. اعتراضات و تجمعات کارگری و اصناف مصدق این مدعاست. ناگفته هویداست که این رژیم تا فرق سر در منجلا ببحران گیر افتاده است و دست و پازندهایش به نجات او هیچ کمکی نمیکند.

تنها تفاوتی که تلویحا جمهوری اسلامی را با خاندان پهلوی تمایز میدهد در اینست که رژیم فعلی هر چهار سال یکبار یک دولت فیلتر شده و مهندسی شده خادم و دست پرورده حکومت را سر کار میآورد که آنرا حکومت جمهوری میدانند. گرچه این دولتها از سوی ولی فقیه و رهبر نظام هدایت و دیکته میشوند اما نفس و ذات همین دولتها هم مبتنی بر آراء توده ها نیست و اگر هم بدرجه ای باشد از ماهیت یک سیستم بازار آزاد اقتصادی متعارف در عصر سرمایه داری کم نمیکند. طبعاً تمامی این نظامهای جمهوری حاکم بر جهان با اداره پارلمانی و وزیر و وکیلش همگی در عرصه سیاسی و حکمرمانی در یک کاتگوری می‌گنجند. نظامی با دولت و کابینه و وزراء در خدمت اقتصادی با مبانی تئوریهایی رایج دفاع از مالکیت خصوصی و سرمایه داری

چه تفاوتی در انتخاب سلطنت و رژیم ولایت فقیه وجود دارد؟

سامی آزادمنش

تمامی جریانات دست راستی صرفنظر از ادعاها و سلايقشان همگی بلحاظ سبک و سیاق حکومتداری و منافعی که برای جامعه دنبال میکنند یک جهتگیری و مسیر را طی میکنند. تمامی کسانی رژیم پهلوی را به یاد دارند و یا مطالعات تاریخی وقایع و شیوه زندگی در آن دوران را داشته و دارند منهای کسانی که در آن برهه دارای منصب و منفعت خاصی بوده اند ولو آنانیکه در سیاست همسوی جریانات راستگرا هم باشند بخوبی میدانند که سیستم حکومت پهلوی یک سیستم مستبد و تک نفر محور و تک حزبی از لحاظ سیاسی بوده است که هیچ آراء و اندیشه دیگری را تحمل نمی کرد، در واقع میراث بجا مانده آن زمان یعنی زندانها و بیدادگاهها و ارتش مافوق مردمی تا دندان مسلح و ساواک مخوفش و ایجاد رعب و هراس از نام بردن از شاه ماهیت منش دیکتاتوری رژیم پهلوی را نمایان میکند.

اما از لحاظ اقتصادی این دوران متعلق به سیستم حاکمیت فئودالیسم و دوران تاریک قلداری مالکین و اربابان ستمگر و قلداریست که توجه هر انسانی را به قلداری رضا خان معطوف میکند، مصداق بارز عملکرد ارباب رعیتی که خوانین نقش ژاندارم مسلح را در تمامی سرزمین ایران ایفا میکردند و خون رعایا و دهقانان را تو شیشه میکردند و در این راستا مالکین و خوانین با دولت مرکزی مشترک المنافع و دست در دست شاه داشتند.

هنوز برگه ها و اوراق مستندی از آن دوران در کتب تاریخی و برای مطالعات این نسل از طرف جمهوری اسلامی منتشر نشده است و اگر هم انتشاراتی بوده خیلی کم بوده و همه جانبه نیست، رژیم پهلوی با این مختصات کلی هنوز قابل توضیح نیست و عصر طولانی آن دوران نیاز به صد من کاغذ برای بیان واقعیتی دارد که هنوز فاش نشده اند، نبود اجازه فعالین مخالف پهلوی و انتشارات و رسانه مخالف به شکلی بود که تنها فعالیت آزاد آنی بود که در دفاع از دم و دستگاه جبار پهلوی و تعریف و تمجید از سلطنت باشد، هرگز صدای دهقان و کشاورز و خوش نشینان (افراد فاقد زمین و زراعت) شنیده نشد اما هیاهوی اربابان و ژاندارمری و ارتش و سلطنت طلبان تا کاخ سفید بولتن میشد.

راستی مراسمهای پرطمطراق و پرهزینه تاجگذاری برای تبلیغ کدام منافع اجتماعی و طبقاتی بود؟ زمانی که پهلوی وارد عصر صنعتی شد ارباب رعیتی جای خود را به میدان و دوران نوینی داد که نیروی کار ارزان کارگران در شرکتهای و کمپانی های وابسته و مونتاژ غربی به حراج گذاشته شد زیرا بسرعت نیروی کار جوان کشاورزان در خدمت صنعت و سرمایه داری جدید قرار گرفت. این یک موج جدید و تغییر نظام اقتصادی از فئودالیسم به سرمایه داری بود که شاه آن را انقلاب سفید نامید، این همان دورانیست که خوانین ستمگر و قلدرد حاضر به تسلیم اراضی فرق شده شان به خوش نشینان نبودند و در عوض برای خوش خدمتی به شاه و دولتش زمینهای غضب شده را به اداره ای بنام اوقاف تحویل دادند. زیرا معتقد بودند رعیت لیاقت تصاحب زمین را ندارد، خوانین خود را خدای رعیت و زمین میدانستند.

هنوز هم مالکین این خصلت اخلاقی خود را که در واقع یک ماهیت طبقاتی دارد از دست نداده اند. کم نبودند دخترانی از طبقه فئودالها که موفق به ازدواج نشدند زیرا پدران و مادرانشان دختران خود را در حد

منشور آزادی، رفاه، برابری

برای اتحاد جنبش کارگری و همسویی با جنبش زن-زندگی-آزادی

مقدمه

بی‌تردید، بسیاری از مصائب و معضلات گریبانگیر جامعه کنونی ایران ناشی از حکومت جمهوری اسلامی است. محروم کردن زنان از حق طبیعی و مسلمشان بر بدن خویش و تمایل پوشش اجباری بر آنان؛ دخالت در حریم زندگی شخصی و روابط خصوصی زنان؛ تبعیض جنسیتی و نابرابری حقوقی زن و مرد؛ قانونی کردن چندهمسری برای مردان؛ پایمال کردن حقوق کودکان؛ سرکوب آزادی‌های سیاسی از جمله آزادی بیان، عقیده، مطبوعات و رسانه‌ها، تشکل، اعتصاب، تحصن، تجمع، راهپیمایی؛ سانسور کتاب، نشریه، فیلم، تئاتر، موسیقی و سایر عرصه‌های هنر، علم، و ادبیات؛ ترویج خرافات؛ تفتیش عقیده؛ تخصیص بودجه‌های نجومی به امور امنیتی، انتظامی، و نظامی و تشکیل نیروهای سازمان‌یافته حقوق و مواجب بگیر لباس شخصی برای سرکوب اعتراض‌های مردم، گشت‌های امر به معروف و ارشاد برای کنترل پوشش زنان، انواع و اقسام سازمان‌ها و بنیادهای مذهبی، آیین‌ها و مراسم مذهبی و ... همگی با بودجه‌های کلان و در واقع از جیب مردم؛ پایمال کردن حقوق شهروندان متساوی‌الحقوق و تقسیم آنها به شهروندان درجه یک، دو، و ...، تقسیم جامعه به «خواص» و «عوام» و ممتاز شمردن روحانیان و برپایی دادگاه ویژه و اختصاصی برای رسیدگی به جرم‌های آنان در پشت درهای بسته؛ رواداشتن آزار و توهین و بازداشت و حبس به معتقدان سایر ادیان و مذاهب؛ محدودیت آزادی عقیده؛ اجرای قوانین مجازات اسلامی حد، شلاق‌زدن، بریدن دست و پا و به‌طور کلی قطع یا نقص عضو، پرتاب از بلندی، سنگسار، و قصاص؛ دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر و تلاش برای برپایی حکومت دینی در این کشورها از طریق «صدور انقلاب»، دشمن تراشی، و جنگ افروزی، ... و در یک کلام تبدیل زندگی انسان‌ها به جهنمی آکنده از استبداد و بی‌حقوقی، رنج و عذاب، ناامیدی، مرگ و نیستی از جمله این مصائب و معضلات است.

ما با تمام این مظاهر حکومت دینی مخالف هستیم. بی‌گمان، رهایی جامعه از استبداد دینی گام بزرگی به پیش است. اما با همین صراحت اعلام می‌کنیم که خواست ما فراتر از مخالفت با حکومت دینی است. تجربه انقلاب سال ۱۳۵۷ به ما نشان داد که از دل جنبش یا انقلابی که وعده «آزادی» و «دموکراسی» دهد اما در زیر پوست‌اش استثمار، فقر، بیکاری، گرانی، کلاهبرداری، فساد، فحشا، اعتیاد، قتل، دزدی، و انواع دیگر سیروزی‌ها همچنان رواج داشته باشد هیچ‌گونه جامعه انسانی بیرون نخواهد آمد. به باور ما، معضلاتی که شمه‌ای از آنها در بالا فهرست شد فقط نوک کوه مشکلات جامعه ایران است. اینها تنها آن دسته از مصائب جامعه ایران‌اند که دنیای سرمایه‌داری و رسانه‌هایش بر آنها انگشت می‌گذارند و البته به‌درستی آن را محکوم می‌کنند. اما این دنیا نمی‌خواهد یا، بهتر بگوییم، به سودش نیست که قسمت زیرین این کوه را ببیند، چراکه برملاشدن آن، زمین زیر پای خودش را داغ می‌کند و توان ایستادن بر روی آن را از او می‌گیرد. عامل و مسبب اصلی تباهی زندگی اکثر انسان‌های جامعه ایران این است که برای زندگی هیچ راهی جز فروش نیروی کارشان ندارند. در این جامعه، جدا از خیل عظیم بیکاران، میلیون‌ها انسان مزدبگیر، همچون کارگران صنعتی و خدمات و کشاورزی، کارمندان، تکنیسین‌ها، معلمان، پرستاران، پزشکان، مهندسان، کارشناسان، خبرنگاران، نویسندگان، هنرمندان و به‌طور کلی تمام فروشنندگان نیروی کار، که اجزای طبقه کارگر را تشکیل می‌دهند، برای زنده‌ماندن مجبورند نیروی کار (بدی و فکری) خود را به ثمن بخش به سرمایه‌داران بفروشند و بدین‌سان ارزشی بس بیش از مزد خود برای آنان تولید کنند.

توجیه، تثبیت، و پاسداری از سرمایه‌داری با حکومت‌های گوناگونی صورت می‌گیرد که حکومت دینی تنها یکی از آنهاست. بسیاری از سرمایه‌داران بخش خصوصی و احزاب و شخصیت‌های سیاسی مدافع آنان نیز خواهان جدایی دین از حکومت‌اند. آنان حکومت دینی را تنها علت مشکلات جامعه جلوه می‌دهند تا سرمایه‌داری را از تیررس مبارزات کارگران دور نگه‌دارند. شعار آنها در واقع این است: حکومت دینی نه، سرمایه‌داری آری. سرمایه‌داران خصوصی سکولار و طرفدار حکومت غیردینی، جمهوری اسلامی را برای اداره جامعه ناکارآمد می‌دانند، اما خود با احتکار و گران کردن کالاها و خدمات، پیمانی و قراردادی کردن اکثریت کارگران، محروم ساختن کارگران از بیمه و امکانات رفاهی و تحمیل کار بر آنان در شرایط ناایمن، پرداخت مزدهای ناچیز، اخراج و بیکارسازی، سرکوب اعتراض و اعتصاب، و دشمنی شدید با هرگونه سازمان‌یابی مستقل کارگری سهم بسزایی در پیدایش اوضاع و احوال کنونی دارند. این بخش از طبقه سرمایه‌دار و احزاب و شخصیت‌های سیاسی نماینده آن می‌کشوند با پشتیبانی دولت‌های سرمایه‌داری غربی، تقصیر را تنها به گردن قدرت سیاسی حاکم و سرمایه‌داری شرقی حامی آن بیندازند و نقش سرمایه و سودجویی خود را پنهان سازند و در جنگ بر سر قدرت، کارگران را به سپاهی لشکر خود تبدیل کنند. این‌که روینای سیاسی مورد نظر این شخصیت‌ها و احزاب سیاسی سلطنت است یا جمهوری «دموکرات» و سکولار تغییری در این واقعیت نمی‌دهد که زیربنای اقتصادی مورد نظر آنها در هر حال سرمایه‌داری است. درست از همین رو، دستیابی آنان به قدرت سیاسی – که در اوضاع کنونی بسیار محتمل است – نه تنها سیروزی‌ها و مصائب اقتصادی حاکم بر جامعه ایران را دست‌نخورده باقی خواهد گذاشت و به تغییری اساسی و بنیادین در زندگی اکثریت مردم راه نخواهد برد بلکه، به اقتضای ساختار خاص سرمایه‌داری ایران از جمله وجود نیروی کار ارزان، مردم را گرفتار شکل دیگری از استبداد سیاسی خواهد کرد. ما تأکید می‌کنیم که ریشه مشکلات جامعه ما سرمایه‌داری است و آنچه در نهایت باید از میان برود رابطه خرید و فروش نیروی کار است.

با توجه به مقدمه فوق، ما امضاکنندگان زیر بر این باوریم که جامعه ایران در شرایط خطیر و سرنوشت‌ساز کنونی به منشوری نیاز دارد که همچون پرچمی جنبش کارگری را حول آزادی، رفاه، و برابری متحد کند. این منشور، در عین همسویی با جنبه‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه جنبش «زن، زندگی، آزادی»، با تثبیت، تحکیم، و تضمین این جنبه‌ها و نیز ارتقای سطح رفاه کل جامعه و بدین‌سان افزایش توان مادی، فکری، و فرهنگی کارگران از محل ثروت تولیدشده در جامعه («تولید ناخالص ملی» راه را برای مبارزه طبقه کارگر بر ضد سرمایه‌داری هموار می‌سازد. به‌منظر ما، دستیابی جامعه به آزادی، رفاه، برابری و هموارشدن راه مبارزه با سرمایه‌داری در گرو تحقق خواست‌های زیر به نیروی دموکراسی شورایی و سرمایه‌ستیز طبقه کارگر است:

۱- جدایی کامل دین از حکومت به‌گونه‌ای که دین امر خصوصی انسان‌ها شمرده شود؛ ممنوعیت تفتیش عقیده، ممنوعیت تدریس تعلیمات دینی در مراکز آموزشی؛ حذف مضامین دینی از قوانین کشور و آموزش و پرورش؛ حذف هویت دینی افراد از مدارک شناسایی، ممنوعیت دخالت حکومت در تعیین مطالب آموزشی، ممنوعیت حمایت حکومت از هرگونه دین و مذهب؛ ثبت نهادهای دینی و اماکن مذهبی به‌عنوان نهادهای خصوصی؛ ممنوعیت مراسم مذهبی مغایر با کرامت، سلامت، و آسایش انسان‌ها

۲- برخورداری تمام افراد جامعه از آزادی‌های بی‌حصر و استثنای سیاسی از قبیل آزادی بیان، عقیده، مطبوعات و رسانه‌ها، تشکل (اعم از انجمن، کانون، اتحادیه، شورا، حزب و ...)، اعتصاب، تجمع، تحصن، تظاهرات، و راهپیمایی

۳- آزادی بی‌قید و شرط تمام زندانیان سیاسی و

منشور آزادی، رفاه، برابری

برای اتحاد جنبش کارگری و همسویی با جنبش زن-زندگی-آزادی

عقیدتی، انحلال تمام نهادهای سرکوب و ممنوعیت هرگونه شکنجه اعم از روحی و جسمی و واداشتن متهمان به اعتراف علیه خود یا دیگری؛ به رسمیت شناسایی حق دادخواهی برای تمام کسانی که متحمل سلب حق حیات از اعضای خانواده و یا هموعان خود شده‌اند.

۴- انحلال دادگاه‌های ویژه، علنی‌بودن دادگاه‌ها با حضور هیئت منصفه، انتخاب آزادانه وکیل دلخواه، و رایگان بودن امور دادرسی؛ تعلیق تمام احکام قضایی صادره و بازنگری آنها در دادگاه‌های صالح با حضور هیئت منصفه

۵- الغای مجازات اعدام

۶- ممنوعیت انجام وظیفه نیروهای نظامی و انتظامی با لباس شخصی و بدون یونیفورم؛ انحلال هرگونه سازمان انتظامی و اطلاعاتی و امنیتی مخفی

۷- الغای هرگونه تبعیض جنسیتی و برقراری برابری حقوقی زن و مرد. برای تحقق این خواست باید: - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به خانواده، و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند. - هرگونه دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، پوشش و روابط بین افراد، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود

- ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه، برابری کامل حقوقی میان آنان، و بدون نیاز به اجازه ولی دختر صورت گیرد

- هرگونه ازدواج پیش از ۱۸ سالگی ممنوع شود

- حق زن بر بدن خویش شامل حق تصمیم‌گیری در مورد رابطه جنسی، بارداری، سقط جنین یا عقیم‌سازی به رسمیت شناخته شود

با ایجاد فرصت‌های شغلی برابر برای زنان و امکانات رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن‌های غذایی و لباس‌شویی‌های عمومی در محل‌های کار و سکونت، زمینه اجتماعی شدن کار خانگی و بدین‌سان از میان رفتن آن فراهم شود. تا آن زمان به افراد خانه‌دار اعم از زن و مرد دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل با بیمه و حقوق بازنشستگی پرداخت شود

- با ایجاد خانه‌های امن دارای امکانات مناسب زندگی همراه با آموزش، مشاوره و درمان تخصصی و پرداخت مستمری کافی تا فراهم شدن امکان اشتغال مناسب و زندگی مستقل، زنان خشونت‌دیده یا در معرض خشونت و دختران فراری از خانه مورد حمایت مادی، معنوی، و قانونی قرار گیرند.

۸- به رسمیت شناختن حق انتخاب هویت و گرایش جنسی برای تمام انسان‌ها و ازدواج و به‌طور کلی هرگونه زندگی مشترک بر اساس این هویت‌ها و گرایش‌ها

۹- الغای هرگونه ستم بر اساس تعلق‌های ملی، قومی، نژادی، و مذهبی و برابری حقوقی و شهروندی برای تمام ایرانیان صرف نظر از زبان، پوشش، فرهنگ، نژاد، و مذهب آنها؛ و اولویت دادن به بازسازی مناطقی که به‌علت تعلق‌های فوق از رشد اقتصادی محروم مانده‌اند.

۱۰- الغای کار کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال و تأمین معاش آنان به‌صورت ماهانه

۱۱- برخورداری همه مردم از مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی. تحقق این امر درگرو آن است که:

- از ساختمان‌های تحت مالکیت دولت که اکنون در اختیار نهادهای دولتی هستند برای تأمین مسکن مردم استفاده شود. - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای مردم اختصاص دهد.

۱۲- بهداشت و دارو و درمان رایگان برای عموم مردم

۱۳- آموزش و پرورش رایگان عمومی در تمام سطوح

۱۴- حمل و نقل درون‌شهری رایگان برای عموم مردم در سراسر جامعه

۱۵- مهد کودک رایگان برای تمام مردم

۱۶- حفاظت از طبیعت و جلوگیری از هرگونه آلودگی محیط زیست

۱۷- ایجاد امکانات مدرن لازم برای رفاه بیشتر و زندگی بهتر روستائیان مانند جاده، آب، برق، گاز، تلفن، اینترنت و مراکز آموزشی، درمانی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی در روستاها

۱۸- تعیین حداقل دستمزد ماهانه کارگران براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده‌اند و اختصاص مقدار هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کل مزدگیران

۱۹- برخورداری تمام افراد جامعه از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی، ازکارافتادگی، و بیمه بیکاری. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.

۲۰- الغای هر نوع قرارداد استخدام موقت، کاهش ساعات کار روزانه و الغای شبکاری جز در موارد ضروری و اضطراری

بدیهی است که خواست‌های پیشنهادی ما به جنبش کارگری به موارد بالا محدود نمی‌شوند و ما در این‌جا فقط مهم‌ترین مطالبات لازم را برای تحقق آزادی، رفاه، و برابری برشمرده‌ایم.

اول ماه مه ۲۰۲۳ - یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۲



کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!

بحران ورشکستگی صندوقهای بازنشستگی دورنمای فلاکت بیشتر بازنشستگان

سیاوش دانشور

بحران وخیم اقتصادی رژیم اسلامی در ابعاد جدید و کمرشکنی رخ نشان میدهد. موج ورشکستگی از بانکها و مراکز تولیدی به صندوق های بازنشستگی رسیده است. اوضاع مراکز اصلی تولیدی که با ظرفیتهای زیر نصف و کمتر کار میکنند بجای خود. موضوع قدیمی تر صندوق های بازنشستگی و استفاده و استقراض دولت از موجودی و سرمایه آنها برای جبران کسر بودجه، به مرحله تلاشی رسیده است. طبق برآوردهای کلی، دولت حدود ۴۶۰۰۰ میلیارد تومان بدهی به صندوقهای بازنشستگی دارد و البته نه قصد دارد آنها را پس دهد و نه برنامه و منابعی برای آن دارد و نه سیاست استفاده از موجودی صندوق ها و افزایش این بدهی را متوقف کرده است. این یک حلقه جدید از بحران اقتصادی است که در آن میتوان صدای خرد شدن استخوانهای حکومت را شنید.

اظهارات سجاد پادام مدیرکل بیمه‌های اجتماعی وزارت کار در باره بحران صندوق های بازنشستگی تحت عنوان «هشدار بیسابقه «جنجالی شد. وی از جمله گفته بود: «ممکن است به جایی برسیم که مجبور شویم کیش، قشم و خوزستان را بفروشیم تا بتوانیم حقوق بازنشستگان را بدهیم. کشور یونان ۱۰۰ جزیره فروخت تا بتواند مطالبات بازنشستگانش را بدهد، ما هم به زودی به این وضعیت دچار می‌شویم.» او زیر فشار تبلیغات و تکذیب های حکومتی حرف فروش قشم و خوزستان را پس گرفت.

در این جنجال وجهی که برجسته شد امکان تکرار تجربه یونان و فروش خاک بود که با رجعت به «دفاع از میهن در جنگ ایران و عراق» و باد زدن عرق ملی کمک کرد تا اصل مطلب حاشیه ای شود. واقعیت اما بسادگی اینست که دولت دستش در جیب مردم است، استفاده از موجودی و سرمایه صندوق ها توسط دولت، اختیار غیر مجاز و انحصاری کنترل دولت بر صندوق ها، سرمایه گذاری دستجات مدیران حکومتی در بازار بورس و قمار با اندوخته بازنشستگان، استفاده روز افزون دولت از سرمایه صندوق ها برای کسری هزینه ها و مخارج، وضعیت یک بحران قدیمی را به مرحله لاینحل و اعلام ورشکستگی رسانده است. هشدار سجاد پادام مبنی بر اعلام ورشکستگی صندوقهای بازنشستگی، مزدگانی به بیش از ۲۶ میلیون بازنشسته است که هر سال ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار نفر به آنها افزوده میشود و با خانواده هایشان جمعیتی وسیع را تشکیل میدهند.

اعتراضات گسترده بازنشستگان و کارگران در مخالفت با دست درازی های دولت و کارفرمایان به صندوق های بازنشستگی دلایل روشن و مادی داشت. این نگرانی ها امروز خود را در بحران ورشکستگی این صندوقها و دورنمای فقر و فلاکت و بی‌تامینی بیشتر بازنشستگان نشان میدهد. نسلی که یک عمر کار کرد و جامعه را ساخت، در فقر و نداری زندگی کرد و حال دار و ندارش توسط راهزنان سرمایه دار و حکومت اسلامی به تاراج رفته است.

۳ مه ۲۰۲۳

تأمین بشود، اگر این بردگی مزدی از بین برود، اگر این اجبار روزمره به کار برای دیگران و تسلیم به دیگران از روی دوش بشر برداشته بشود، بشر چقدر ظرفیت این را دارد که شاد و خوشبخت زندگی کند.

برگرفته از متن پیاده شده گفتگو رادیو انترناسیونال با منصور حکمت در باره کارمزدی - اوت ۲۰۰۰

سئوال از منصور حکمت در باره خوشبختی انسانها

سئوال: در ادبیات کمونیسیم کارگری، ادبیات مارکسیسم کلاسیک بطور ویژه‌ای مطرح میشود که مسأله سعادت انسانها، خوشبختی انسانها به انجام انقلاب اقتصادی و لغو کار مزدی بطور ویژه گره خورده است و تلاشهای زیادی که در تاریخ صورت گرفته آنجایی که موفق نشده است کار مزدی را لغو کند به شکست منتج شده است، و در تاریخی دوباره مجدداً تکرار شده است، اگر ممکن است این مسأله را میخواستم شما بیشتر توضیح بدهید.

منصور حکمت: من فکر میکنم تعداد آدمهایی که بتوانند ماهی یک بادام بخورند و به آسمان نگاه کنند و احساس سعادت بکنند به هر حال کم است. میدانم بعضیها میگویند پول خوشبختی نمیآورد یا خوشبختی یک امر معنوی است و مادی نیست. ولی تعداد کسانی که میتوانند اینطوری خوشبخت بشوند، کم است. اکثریت عظیم مردم برای خوشبخت شدن احتیاج به امکانات دارند، احتیاج به خانه دارند، احتیاج به دکتر دارند، احتیاج به این دارند که امنیت اقتصادی داشته باشند، احتیاج به این دارند که آزادی حرکت داشته باشند بتوانند در کره ارضی که روی آن زندگی میکنند سفر کنند، احتیاج دارند با آدمهای جدید آشنا بشوند، احتیاج دارند به کارهای مختلف دست ببرند و کارهای جدید را یاد بگیرند. و همه اینها یعنی آزادی اقتصادی انسان، یعنی توانایی اقتصادی انسان. اگر شما بیایید بخشی از جامعه را به این محکوم بکنید که روزی هشت ساعت یا شش ساعت یا هر چقدر، برود کارش را بفروشد، بعدش هم خسته و کوفته برود خانه‌اش خودش را بازسازی بکند، بنا به تعریف آدمها را از خوشبختی محروم کرده‌اید. انسان خوشبخت انسانی است که خلاقیتش را به کار بیاندازد، انسانی است که حس میکند آموزش و اختیار زندگیش دست خودش است، انسانی است که فکر میکند مجبور نیست. انسانی است که فکر میکند میتواند تصمیماتش را خودش آزادانه بگیرد. خوشبختی به هر حال با آزادی رابطه دارد و این آزادی بدون آزادی اقتصادی ممکن نیست.

در قلب اقتصاد کار مزدی، در قلب سیستم مزد بگیر، انسانهای زیادی از آزادی محرومند. انسانهای زیادی که ناگزیرند هر روز نیروی کار خودشان را بفروشند و گرنه فردا وجود ندارند، وجود ندارند حتی به معنی فیزیکی کلمه، یعنی ممکن است از غذا و مایحتاج روزمره و مسکن و غیره، از همه امکاناتی که اجازه میدهد یک انسان انسان بماند و از نیازهای فرهنگی و زیبایی شناسانه‌اش هم حتی ارضا نشود. در نتیجه هر روز نیروی کار را فروختن و هر روز صبح سر بازار کار حضور بهم رساندن و دنبال مشتری گشتن و تمام عمر به خود لرزیدن که کارم را هم ممکن است از دستم بگیرند، این با خوشبختی انسانها منافات دارد. مارکسیسم آن مکتبی است که پشت همه حرفهای فلسفی و صوفیانه و غیر صوفیانه که راجع به معنی زندگی و خوشبختی بشر زده شده، یک جواب کاملاً روشنی را پیدا میکند و میگوید: انسان باید مرفه و آزاد باشد و برای اینکه مرفه و آزاد باشد باید آن نظام اجتماعی که در آن زندگی میکند، نظامی باشد بر مبنای آزادی، برابری و رفاه، و مرفه کردن انسانها فلسفه آن نظام را تشکیل بدهد.

جامعه سرمایه‌داری این نیست، آزاد نیستیم، به خاطر اینکه مجبور هستیم نیروی کارمان را بفروشیم، آزاد نیستیم برای اینکه دولت طبقه حاکم بالای سرمان است، رفاه ما هدف جامعه نیست سود هدف جامعه است. و در نتیجه بخش اعظم ما احساس خوشبختی نمیکند.

با همه اینها آنقدر انسانیت در تک تک ما قوی است که حتی در این مهلکه، در دل این شرایط با این همه فشار، به همدیگر نگاه میکنیم و به همدیگر علاقه پیدا میکنیم، به بچه‌هایمان و به بچه‌های دیگران و به خلاقیتهای دیگران. وقتی ما در این شرایط هنوز میتوانیم یک درجه احساس خوشبختی بکنیم. شما فکرش را بکنید اگر این برابری اقتصادی

مرگ برستمگر، چه شاه باشه چه

اعلامیه خبری شماره ۳

قطعنامه مشترک انجمنهای کارگران ساختمانی استان کردستان

یازده اردیبهشت، روز جهانی کارگر روز اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران در سرتاسر دنیا را در شرایطی گرمی می داریم که فاصله طبقاتی و شکاف میان سرمایه داران و کارگران به بالاترین حد خود رسیده است.

فاصله میان دستمزدها و هزینه های زندگی نفس کارگران را گرفته، سرمایه داران تنها به فکر افزایش سود خودشان هستند و توجه ای به وضعیت اسفناک کارگران ندارند. کارگران ساختمان بنا به شرایط ویژه و دلایل متعدد، آسیب پذیرتر از بخش های دیگر طبقه کارگر هستند. پیمانکاران خصوصی و سرمایه دارانی که مشغول ساخت و ساز هستند، شرایط دشواری را برای کارگران ساختمانی فراهم کرده اند. نبود ایمنی و بهداشت در محیط های کار، نبود امنیت شغلی، پایین بودن سطح دستمزد، تورم و عدم وجود تشکلات مستقل کارگری و بسیاری دلایل دیگر ما کارگران ساختمانی را آسیب پذیر کرده است. در این راستا ما کارگران ساختمانی ضمن گرمی داشت روز جهانی کارگر مطالبات خود را به شرح زیر اعلام می کنیم:

- ۱- تعیین حداقل دستمزد ناچیز از سوی "شورای عالی کار" به منزله تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به کارگران و خانواده های آنان می باشد.
- ۲- سهمیه بندی بیمه کارگران ساختمانی برخلاف ماده ۵ تامین اجتماعی هنوز وجود دارد و ما کارگران ساختمانی خواهان لغو سهمیه بیمه هستیم و همه کارگران ساختمانی باید از بیمه تامین اجتماعی برخوردار باشند.
- ۳- کارفرمایان موظف هستند امنیت و بهداشت محیط های کاری را فراهم کنند.
- ۴- تامین امنیت شغلی برای کارگران شاغل در کارگاه های ساختمانی، از طریق قراردادهای قانونی و پرداخت بیمه بیکاری در ایام رکود شغلی و بیکاری.
- ۵- پرداخت هزینه های درمانی و دستمزد ایام بیماری به کارگران آسیب دیده از حوادث شغلی
- ۶- لحاظ کردن مشاغل مختلف در بخش ساختمان در زمره کارهای سخت و زیان آور و اعمال شرایط بازتسستی کارگران ساختمانی براساس این طبقه بندی
- ۷- ما کارگران خواهان آموزش با کیفیت و یکسان رایگان برای کارگران و تمامی مردم هستیم.
- ۸- قراردادهای موقت و سفیدامضا و شرکت های پیمانکاری برای استثمار بیشتر کارگران هستند ما خواهان برچیده شدن قراردادهای موقت و سفید امضا و شرکت های پیمانکاری هستیم.

امضا کنندگان: ۱- کانون انجمنهای صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان ۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران ۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان و سروآباد ۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی دیواندره ۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی قروه ۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی سقز ۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی سنندج ۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۱ مه ۲۰۲۳

پیام مشترک سندیکاهای فرانسه به کارگران ایران به مناسبت ۱ مه ۲۰۲۳

ما سازمان های سندیکایی فرانسوی س. اف. د. ت، س. ژ. ت، اف. اس. او، سولیدر، او ان اس آ، چندین سال است که مشترکاً از مبارزات شما برای دفاع از حقوق و آزادی هایتان حمایت می کنیم. ما به خوبی واقفیم که شما تحت چه شرایطی این مبارزه را به پیش می برید: سرکوب بسیار شدیدی که توسط مقامات ایرانی اعمال می شود و شرایط بسیار دشوار کار و زندگی برای مردم ایران.

حق تشکیل آزادانه اتحادیه های کارگری و عضویت در سازمان هایی که کارگران را نمایندگی کنند و واقعاً مستقل از قدرت باشند، از آرمان های مشروع و کاملاً به رسمیت شناخته شده در حقوق بین الملل است. ما از خواسته های شما حمایت می کنیم تا این که سرانجام دولت ایران به این حقوق بین المللی گردن نهد، حقوقی که دولت ایران به عنوان یک عضو سازمان جهانی کار ملزم به رعایت آن ها است!

در ۳۰ آوریل ۲۰۲۲، در آستانه روز جهانی کارگر، در یک وضعیت حکومت نظامی اعلام نشده در تهران و سایر شهرهای بزرگ، رسول بداعی به همراه جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی و علی اکبر باغانی بازداشت شدند. آن ها همه اعضای انجمن معلمان هستند. به دنبال آن دستگیری ها، رضا شهابی، حسن سعیدی و داوود رضوی از اعضای سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه (واحد) همراه با کیوان مهندی و آنیسا اسداللهی مترجمان آن ها هم دستگیر شدند. همه آن ها به اتهامات ساختگی به حبس های طولانی مدت محکوم شدند. تنها «جرم» آن ها این است که قصد داشتند در چهارچوب حقوق بین الملل و مقاله نامه های بنیادین سازمان جهانی کار، که عنصر محوری آن حقوق سندیکایی است، به فعالیت های اتحادیه ای بپردازند

کلکتیو سندیکایی ما، با نگرانی فراوان تحولات وضعیت زندانی شدن شان و به ویژه شرایط غیر انسانی زندان که متحمل می شوید، را دنبال می کنند. وخامت وضعیت سلامتی رضا شهابی و داوود رضوی ما را به شدت نگران کرده است. به گفته پزشک زندان، انتقال رضا شهابی به یک بیمارستان غیرنظامی خارج از محیط زندان برای انجام عمل جراحی فوری یک امر اضطراری است، اما مقامات ایرانی سرسختانه از این امر خودداری می کنند.

به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی همبستگی، ما بار دیگر حمایت بی دریغ خود را از شما در نبرد سختی که برای آزادی همه زنان و مردان، برای کرامت زنان و مردان زحمتکش، و برای رعایت حقوق بشر به پیش می برید، تجدید می کنیم. ما این سرکوب های غیرقابل تحمل را به شدت محکوم می کنیم.

پاریس، ۲۸ آوریل ۲۰۲۳

کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار (س. اف. د. ت.): CFDT

کنفدراسیون عمومی کار (س. ژ. ت.): CGT

کنفدراسیون متحده سندیکایی (اف. اس. او.): FSU

اتحاد سندیکایی همبستگی (سولیدر): Solidaires

اتحاد ملی سندیکاهای مستقل (او. ان. اس. آ): UNSA

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

اعلامیه خبری شماره ۱

درگیری در هفت تپه، اجتماعات بازنشستگان در اول ماه

اعلامیه خبری شماره ۲

بیانیه زنان آزادیخواه و برابری طلب - ژنو
بمناسبت اول ماه

«زنان آزادیخواه و برابری طلب - ژنو» در سنج به مناسبت اول ماه روز جهانی کارگر بیانیه ای صادر کردند. متن بیانیه:

امسال در حالی که پیشواز روز جهانی کارگر می‌رویم که دیگر بار دست‌تنگ نظام سرمایه از آستین شورای عالی کار بیرون آمده و با تحمیل دستمزد چهار برابر زیر خط فقر، فلاکت و رنجی طاقت فرسا را بر ما کارگران تحمیل نموده است. نظام بردگی مزدی که تنها به فکر انباشت سود و سرمایه از قبیل دسترنج طبقه کارگر است ما را از برخورداری از حداقلهای یک زندگی در خور شان انسان نیز محروم نموده است.

اول ماه امسال می‌تواند تفاوت‌های اساسی نسبت به سالهای پیشین داشته باشد و این را مدیون خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ است که با به میدان آمدن وسیع توده‌های تحت ستم و مطرح شدن خواسته‌های برابری طلبانه اعم از؛ طبقاتی، جنسیتی و... در کف خیابانها، خونی تازه در رگ جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی جاری نمود و در این میان رهبری و نقش پررنگ زنان در این خیزش نشان داد که دیگر زنان به نقش ثانویه و فرعی تحمیل شده بر آنان رضایت نمی‌دهند و در هر تحول و انقلاب اجتماعی نقش پیشرو و پرچمدار برای خود قائل هستند.

همداستانی و همسرنوشتی جنبش زنان و جنبش کارگری امری واقعی و غیرقابل انکار است و با اتحاد و به میدان آمدن زنان طبقه کارگر است که می‌توان در راه آزادی و برابری گام برداشت.

ما زنان آزادیخواه و برابری طلب - ژنو ضمن گرامی داشت اول ماه خواستها و مطالبات زیر را اعلام می‌داریم؛

□ لغو کلیه قوانین زن ستیزانه و برابری کامل زنان و مردان در کلیه مناسبات اجتماعی اعم از؛ اجتماع و محل کار هستیم.

□ جنسیت نباید مانعی در راه پیشرفت و ارتقای زنان در محل کار و اجتماع باشد.

□ محیط کار امن برای زنان کارگر و برخورد جدی و جرم‌انگاری با هرگونه تعرض جنسی به زنان در محیط کار.

□ به رسمیت شناختن کار خانگی و داشتن حق بیمه و بازنشستگی برای زنان خانه دار.

□ برخورداری زنان کارگر از امنیت شغلی در زمان بارداری و داشتن حق مرخصی مناسب همراه با حقوق در دوران بارداری.

□ موظف نمودن کارفرما به اعطای حق ویژه مانند مرخصی‌های ساعتی و روزانه به زنان کارگری که دارای کودک خردسال می‌باشند.

□ برچیدن بساط استثمار مضاعف بر روی زنان کارگر شاغل در کارگاههای قالبیابی و تولیدی چندمنفره که شامل قانون کار نمی‌گردند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۱ مه ۲۰۲۳

امروز ۱۱ اردیبهشت در هفت تپه نیروهای حراستی به نمایندگان متحصن در مقابل مدیریت حمله کردند و متعاقب آن درگیری شدیدی ایجاد شد. روزهای گذشته عبدالعلی ناصری مدیر صنایع جانبی طی گفتگویی با مثال «خر و سواری» در مورد مالکیت و واگذاری هفت تپه به کارگران هفت تپه توهین کرد. این اقدام با واکنش و اعتصاب غذای تعدادی از کارگران و فعالین در روز جمعه ۱۰ اردیبهشت روبرو شد. کارگران غذایشان را گرفتند و در مقابل درب مدیریت تجمع کردند و خواهان عذرخواهی ناصری شدند. دیروز و دیشب کارگران در محل بصورت متحصن با اعتصاب غذا ماندند و امروز دوشنبه حراستی‌ها و مدیریت بصورت برنامه ریزی شده مبارزت به تحریک و ایجاد تشنج و درگیری کردند. کارگران در اعتراض به بی حرمتی حراستی‌ها دست به تجمع و اعتراض زدند.

اجتماعات بازنشستگان در روز کارگر

امروز ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر بازنشستگان از جمله در شهرهای اهواز، شوش، کرمانشاه و کرمان دست به اجتماع و راهپیمایی زدند. در اهواز کارگران بازنشسته با پخش شیرینی در جمع شان روز کارگر را گرامی داشتند. بازنشستگان برای اول ماه در سراسر کشور در شهرستانها مقابل تأمین اجتماعی و در تهران مقابل وزارت کار فراخوان تجمع داده بودند.

احضارها و بازداشت‌ها ادامه دارد

امروز ۱۱ اردیبهشت، عطا باباخانی از اعضای قدیمی و بازنشسته سندیکای کارگران شرکت واحد توسط نیروهای امنیتی بازداشت و بعد از تفتیش منزلش به اداره اطلاعات کرج منتقل شد.

امروز ۱۱ اردیبهشت، در آستانه روز معلم تعدادی از اعضای انجمن صنفی معلمان سنندج-کلاترزان آقایان ۱- رضا طهماسبی ۲- غیاث نعمتی ۳- مجید کریمی ۴- بها ملکی ۵- فیصل نوری ۶- جمیل امینی، توسط نیروهای امنیتی احضار شدند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۱ مه ۲۰۲۳



گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر



**معوقات مزدی کارگران
خطوط ابنیه فنی آذربایجان**

کارگران خطوط ابنیه فنی ناحیه ربلی آذربایجان از عدم پرداخت دستمزد چند

ماه و مزایای خود خیر دادند. یکی از این کارگران با بیان اینکه "در حال حاضر کسی در راه آهن پاسخگوی مطالبات کارگران ابنیه فنی آذربایجان نیست" گفت: "با وجود گذشت بیش از چهل روز از آغاز سال جدید کارگران ابنیه فنی آذربایجان، حقوق یک ماه پایان سال گذشته خود را هنوز دریافت نکرده‌اند."

تجمع اعتراضی پرستاران اهواز و شیراز

پنجشنبه ۷ اردیبهشت پرستاران اهواز در مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی اهواز تجمع نمودند. روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت نیز پرستاران شیراز جهت مطالبه حق و حقوقی واقعی و قانونی کادر درمان تجمع اعتراضی برگزار کردند

تجمع اعتراضی کادر درمان بیمارستان سجاد در شهریار

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت کادر درمان بیمارستان در اعتراض به ناعادلانه بودن تعرفه پرستاری پرسنل اتاق عمل و بیهوشی، عدم پرداخت پول لباس، ندادن غذا و پرداخت مبلغ پایین به عنوان پول غذا (۵۰ هزار تومان) تجمع اعتراضی برگزار نمودند

تجمع معلمان مقابل وزارت آموزش و پرورش

شنبه ۹ اردیبهشت جمعی از معلمان اعزام به خارج کشور برای دریافت مطالبات معوقه‌ی چند ساله‌ای که همچنان در خصوص پرداخت آن اقدامی از سوی وزارت آموزش و پرورش صورت نگرفته است، مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع نمودند

برگزاری روز جهانی کارگر توسط انجمن کارگران و استادکاران ساختمانی در میدان شبرنگ میوان

۱۱ اردیبهشت ماه کارگران با قرانت بیانیه و پخش گل و شیرینی و تبریک اول مه، روز رزم جهانی کارگران برای زندگی انسانی و برابر را همانند سالهای گذشته گرامی داشتند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی کشور

روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت و همین دوشنبه ۱۱ اردیبهشت به مناسبت روز کارگربازنشستگان تامین اجتماعی اصفهان، رشت، اراک، کرمان، شوش و اهواز مقابل اداره کل این سازمان در مناطق مربوطه در اعتراض به وضعیت بد معیشتی، مصوبه مزد ۱۴۰۲، تعویق در پرداخت باقیمانده همسان‌سازی و سایر مطالبات و حقوق پامال شده خوددست به تجمع زدند در بعضی شهرها به راهپیمایی در خیابانها پرداختند

برگزاری تجمع و راهپیمایی کارگران بازنشسته اهواز در روز کارگر

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت بازنشستگان اهواز در گرامیداشت روز جهانی کارگر و در اتحاد با کارگران و سایر اقشار زحمتکش و در ادامه پیگیری خواست‌های بحق لگدمال شده و فریاد و اعتراض دادخواهانه خود، نسبت به عدم توجه و عدم رسیدگی چندین ساله نسبت به حق و حقوق از دست رفته شان مقابل درب اداره کل سازمان تامین اجتماعی اهواز تجمع اعتراضی برپا نمودند و تا میدان فرهنگ شهر اهواز راهپیمایی نمودند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات در سراسر کشور

صبح روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲ بازنشستگان مخابرات استانهای کشور در اعتراض به عدم اجرای کامل و

گزارشات هفته گذشته مبارزات کارگری و جنبشهای اجتماعی

اعتصاب کارگران پتروشیمی رازی

یکشنبه ۱۰ اردیبهشت کارگران پتروشیمی رازی بندر ماهشهر در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان دست به اعتصاب زدند

اعتصاب کارکنان نیروگاه منتظری اصفهان

شنبه ۹ اردیبهشت ماه کارکنان نیروگاه منتظری اصفهان به دلیل عدم دریافت حقوق و مزایای پرسنلی دست به اعتصاب زدند

اعتصاب کارگران پروژه NGL3200 واقع در میدان نفتی جفیر

روزیکنشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ کارگران بخش‌های دفتر فنی پایبینگ و دفتر فنی ابزار دقیق از پیمانکاری‌های حیاتی و عابد قیصری شاغل در پروژه NGL3200 واقع در میدان نفتی جفیر نیز در اعتراض به عدم افزایش دستمزد برای سال ۱۴۰۲ به اعتصاب سراسری کارگران پروژه‌های پیوستند.

۲۰۰ کارگر معترض پتروشیمی چوار ممنوع ورود شدند

مدیران پتروشیمی چوار ایلام ۲۰۰ کارگر پیمانی را که به اجرا نشدن طبقه‌بندی مشاغل و وضعیت معیشتی خود معترض بودند ممنوع‌الورود کرده‌اند. در روزهای گذشته پس از اعتراض به دستمزد پایین و اجرا نشدن طرح طبقه‌بندی از ورود آنها به پتروشیمی جلوگیری شده‌است. تمامی این کارگران قرارداد موقت و به واسطه شرکت‌های پیمانکاری مشغول به کار هستند.

اعتراض کارگران پتروشیمی ایلام

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه کارگران واحد الوفین پتروشیمی ایلام با پهن کردن سفره خالی مقابل درب پتروشیمی در روز جهانی کارگر نسبت به پامال شدن حقوق این قشر اعتراض کردند.

تجمع اعتراضی کارگران یزد تاپیر

یکشنبه ۱۰ اردیبهشت کارگران مجتمع صنایع لاستیک یزد تاپیر دست از کار کشیده و در محوطه مجموعه تجمع اعتراضی برپا کردند

اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تپه نسبت به اظهارات توهین‌آمیز ناصری

روزیکنشنبه ۱۰ اردیبهشت، کارگران هفت تپه در اعتراض به توهین کردن ناصری به کارگران از ناهارخوری غذایشان را گرفتند و مقابل درب مدیریت جمع شدند. کارگران میگویند ناصری و هیچ کارفرمایی حق ندارد با کارگران با بی احترامی حرف بزند.

تجمع اعتراضی رانندگان تاکسی آستارا مقابل شرکت تاکسیرانی

پنجشنبه ۷ اردیبهشت رانندگان تاکسی شهر آستارا مقابل شرکت تعاونی تاکسیرانی تجمع اعتراضی برپا نمودند

اعتصاب رانندگان قراردادی سامانه ۴ اتوبوسرانی تهران

روز ۸ اردیبهشت رانندگان قراردادی هادیان شهر و حامیان شهر در سامانه ۴ اتوبوسرانی به دلیل عدم واریز حقوق‌ها دست به اعتصاب زدند و در محل کار حضور پیدا نکردند. رانندگان همچنین اعلام کردند که در صورت تداوم عدم پرداخت حقوق‌ها، هر گونه اعتراض اعم از چراغ روشن کردن و غیره را برای خودشان محفوظ می‌دانند.

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران، تعدادی از معلمان حاضر در این دیدار نیز تعدادی از فعالان صنفی و مدنی مدافع حقوق کارگران را با خشونت بازداشت کردند. در جریان این بازداشت یکی از خانم‌ها معلم دچار حمله قلبی شد و در بیمارستان بستری گردیده است.

ریحانه انصاری نژاد، عسل محمدی، هیراد پیربدافی، آیشا اسدالهی، سروناز احمدی، کامیار فکور، حسن ابراهیمی، ژاله روحزاد و الدوز هاشمی از جمله فعالینی هستند که به دست ماموران امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شده‌اند.

آخرین وضعیت محمد حبیبی معلم زندانی

محمد حبیبی فعال صنفی و سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران که از تاریخ ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ در بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات به سر می‌برد، امروز در تماس کوتاهی با خانواده اعلام کرد که کماکان در انفرادی است. بازجوها خیر بازداشت گسترده مهمانان روز جمعه را به اطلاع ایشان رسانده بودند.

(شب گذشته ماموران با یورش به منزل این فعال صنفی تمام میهمانان را دستگیر و بعد از ساعاتی تعدادی کمی از میهمانان را آزاد و بقیه میهمانان را به بازداشتگاه ۲۰۹ انتقال داده‌اند)

تداوم آزار کیوان مهدی از سوی حاکمیت

آزار کیوان مهدی، مترجم و عضو کانون نویسندگان ایران کماکان از سوی حاکمیت ادامه دارد. اوایل اسفند ۱۴۰۱ بود که زندانیان از رساندن داروهای مهدی به او سر باز زدند و او را ممنوع‌الملاقات کردند. با گذشت چند هفته و پس از اعتراض‌های گسترده، ملاقات کیوان مهدی برقرار شد اما کماکان به‌رغم پیگیری‌های مکرر خانواده، ماموران حاکمیت از تحویل دارو به او خودداری می‌کنند.

۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ ماموران امنیتی با یورش به خانه مهدی او را بازداشت کردند و به زندان اوین بردند.

کیوان مهدی پس از ماه‌ها بازداشت و بازجویی سرانجام در دادگاه بدوی به اتهام «واهی» اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی «به ۵ سال و» تبلیغ علیه نظام «به یک سال حبس محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر عیناً تأیید شد.

بی‌تردید عدم تحویل داروهای زندانیان، از جمله کیوان مهدی و به خطر انداختن سلامتشان، ادامه‌ی آزار زندانیان و خانواده‌های آنان است و مسئولیت هرگونه عواقب احتمالی بر عهده‌ی مسببان و مسئولان خواهد بود.

بازداشت شدند



بدون تنازل آیین نامه استخدامی و پرسنلی مصوب سال ۸۹ شرکت مخابرات ایران و پرداخت مطالبات رفاهی و درمانی در مقابل ساختمان مرکزی مخابرات تجمع کردند.

تجمع اعتراضی معلولان تربیت جام نسبت به حذف بودجه معلولان

یکشنبه ۱۰ اردیبهشت معلولان در اعتراض به حذف ردیف بودجه قانون معلولان، مقابل بهزیستی تربیت جام تجمع کردند.

هجوم نیروهای گان ویژه به مدرسه معراج سقز در پی حمله شیمیایی

روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه پس از حمله شیمیایی به مدرسه معراج سقز، نیروهای گان ویژه به این مدرسه هجوم آورده و دانش‌آموزان را ضرب و شتم کرده‌اند. یکی از دانش‌آموزان بر اثر ضربات باتوم، به شدت مجروح و به مراکز درمانی منتقل شده است.

حمله شیمیایی به دبیرستان دخترانه الهیه کرمانشاه

سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت دبیرستان دخترانه الهیه در کرمانشاه هدف حملات شیمیایی قرار گرفته است.

نیروهای کلانتری سریعاً به این دبیرستان مراجعه و شروع به تهدید دانش‌آموزان کرده‌اند.

حمله شیمیایی به دبستان دخترانه پروین اعتصامی سنندج

۱۳ اردیبهشت دبستان دخترانه پروین اعتصامی واقع در حسن‌آباد سنندج هدف حملات شیمیایی قرار گرفت، والدین دانش‌آموزان مقابل دبستان حضور یافتند و شماری از دانش‌آموزان به مراکز درمانی منتقل شده‌اند.

نیلوفر حامدی و الهه محمدی به «اوین» منتقل شدند

همسر نیلوفر حامدی، روزنامه‌نگار زندانی از انتقال ۵ زندانی سیاسی زندان قرچک به بند زنان زندان اوین خبر داد. محمد حسین آجرلو در توئیتر نوشت: «هر پنج زندانی سیاسی زندان قرچک از جمله همسر نیلوفر حامدی، الهه محمدی و سها مرتضایی ظهر امروز به بند زنان زندان اوین منتقل شدند. ۲۲۲ روز از بازداشت نیلوفر می‌گذرد.»

بازداشت محسن عمرانی، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر

شنبه ۹ اردیبهشت ماموران امنیتی با یورش به خانه محسن عمرانی، این فعال صنفی را بازداشت نمودند.

مسعود فرهیخته بازداشت شد

مسعود فرهیخته، معلم و فعال صنفی دوشنبه ۱۱ اردیبهشت‌ماه با هجوم ماموران امنیتی به منزلش در کرج بازداشت شد.

پدر جاوید نام نوید افکاری بازداشت شد

سعید افکاری، برادر جاوید نام نوید افکاری با انتشار توئیتی از بازداشت پدرش، حسین افکاری خبر داد.

ماموران امنیتی با یورش به خانه محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران، جمعی از معلمان و فعالین کارگری را بازداشت کردند

روز جمعه، هشتم اردیبهشت ماموران امنیتی با یورش به خانه محمد

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

منفصلی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!